

۱. کوپر دروری*

ترجمه: ناصر فرشاد گهر**

نحوه عملکرد رؤسای جمهور آمریکا در زمینه به کارگیری تحریمهای اقتصادی

۸۳

چه شرایطی موجب می شود که رییس جمهور ایالات متحده به تحریمهای اقتصادی و یا

تغییر این تحریمها متوسل شود؟

روابط با کشور مورد نظر (هدف) و همچنین سیاستهای داخلی به عنوان شرایطی در نظر گرفته شده است که در آغاز و یا اتمام تحریمهای اقتصادی در آینده مؤثر است. تجزیه و تحلیل مبتنی بر اطلاعات زمانی (دوره‌ای) و مقطعی (کشورهای هدف) نشان می دهد که رییس جمهور در زمان تصمیم گیری برای اجرای تحریمهای اقتصادی باید روابط با آن کشور و عوامل داخلی موجود در ایالات متحده را به طور همزمان در نظر بگیرد که البته مورد اول، یعنی روابط با آن کشور، تأثیر بیشتری در تصمیمات او می گذارد. وقتی که تحریمهای اقتصادی در مورد کشوری اجرا شد، رییس جمهور باید در جهت حمایت و یا اصلاح این تحریمها در همان زمان تصمیم بگیرد. در چنین مواقعی، تأثیر عوامل سیاسی داخلی کم رنگ می شود و رییس جمهور در جهت اعمال و اصلاح سیاست تحریم، تنها روابط با آن کشور را در نظر می گیرد.

با پایان جنگ سرد، دولتها از تحریمهای اقتصادی با تناوب هر چه بیشتر استفاده کرده اند. افزایش روابط اقتصادی، اتمام دوره شبکه به هم پیچیده شورای امنیت^۱ و تمایل

* A.Cooper Drury, "U.S. Presidents and the Use of Economic Sanctions," *Presidential Studies Quarterly*, Vol.30, No4, December 2000, pp. 623-642.

** دکتر ناصر فرشاد گهر، استادیار دانشکده امور اقتصادی و معاون پژوهشکده امور اقتصادی است. مطالعات منطقه ای: اسرائیل شناسی - آمریکاشناسی، جلد هشتم، ۱۳۸۰، صص ۱۲۴ - ۸۳.

کشورها در زمینه اتکای کمتر به نیروی نظامی، به افزایش توانایی آنها در اعمال تحریمهای اقتصادی منجر می‌گردد. همچنین، بهره‌گیری از این تحریمها، راه حل برگزیده و ممتاز برای دولتهایی است که تمایل به اعمال نفوذ و یا زور و قدرت بر دیگری دارند. به دنبال این روند، بررسی و مطالعه در زمینه استفاده از تحریمهای اقتصادی افزایش یافت. (Schwebach 1997, Morgan Drury 1998, Pape 1997, Radcliff 1997, Davis, Dashti -Zibson) از اواخر دهه ۱۹۶۰، گفتمانهای وسیعی پیرامون موضوع تحریم اقتصادی مطرح شد که اکثر این مقالات و نوشتارهای تحقیقی درباره کارایی و آثار این نوع تحریمها بحث کرده‌اند و در کل به این نتیجه رسیده‌اند که تحریمهای اقتصادی، جامع و وسیع نیستند و در بعضی موارد نمی‌توانند موثر باشند.

(Zaltung 1967, Wallenstein 1968 Doxey 1971, Renwick 1981, Hufbouer, Schott, Elliott, 1990a, Morgan and Schwebach 1997, Dashti-Zibson, Davis and Radcliff 1997, Pape 1997 Drury 1998)

همچنین، محققان و دانش پژوهان، لیستی از دلایل و اهداف تحریمهای اقتصادی، تهیه و تنظیم کردند که در بعضی موارد با مقالات تهیه شده در دهه ۱۹۶۰، مطابقت و شباهت دارد. بیشتر این محققان - که در تهیه و طبقه بندی این لیست دست داشتند - سعی کردند تا کارایی تحریمهای اقتصادی را در زمینه تغییر سیاست موجود در کشور هدف، اثبات کنند. به وضوح می‌توان گفت که تنها هدف علنی و آشکار در استفاده از تحریمهای اقتصادی، اعمال زور و قدرت در کشور مورد نظر است تا آن کشور سیاست و یا سیاستهای خود را اصلاح کند و یا تغییر دهد.

البته برخی بر این باورند که اهداف دیگری نیز در این مورد وجود دارد، از قبیل:

۱. اهداف سمبلیک (نمادین) مانند مجازات و ارسال پیغام به عوامل بین المللی (Nossal 1989, Schwebach 2000)
۲. اهداف حقوقی، مانند تغییر قوانین و یا عرف و سنن بین المللی (Barber 1979, Fisk 2000)
۳. اهداف داخلی، مانند آرام کردن حس جنگ طلبی عمومی، ارضای خواستههای اقتصادی در کشور و فعال نشان دادن کشور برای جامعه در عرصه جهانی.

(Barber 1979, Olson 1979, Lindsey 1986, Kacmpfer and Lowendberg 1992, Simon 1996, Smith 1996)

مجموع مفاهیم جمع آوری شده، پیرامون بحث تحریمهای اقتصادی توسط محققان و دانش پژوهان می تواند ما را در جهت نیل به فهم و پاسخ صحیح این سؤالات یاری کند:

۱. چرا تحریمهای اقتصادی به کار می رود؟

۲. چه اهدافی پشت این نوع تحریمها نهفته است؟

۳. چگونه می تواند موثر واقع شود؟

۸۵

در حالی که تحلیلگران در مقالات خویش حتی قادر به پیش بینی دقیق و درست زمان وقوع و اجرای تحریمهای اقتصادی نبودند، (Morgan and Schwebach 1996, 1997, Dashti-Zibson, Davis and Radcliff 1997, Drury) در مجموع، همه محققان این گروه عقیده داشتند که تحریمهای اقتصادی بیهوده است و کارآیی ندارد. همچنین هیچ کس به طور کامل و دقیق نتوانسته است دلیل به کارگیری تحریمهای اقتصادی را توضیح دهد. البته در این نوع مقالات، تعریف جامعی از اهداف مختلف تحریمها وجود دارد، اما شرایطی که به استفاده از تحریمهای اقتصادی منجر می گردد، به طور کامل و دقیق، بررسی نشده است. Drezner در سال ۱۹۹۸، این مسئله را به خوبی تعریف کرد: «تمرکز مقالات تحقیقی بیشتر حول محور نتایج ناشی از اعمال زور و قدرت می چرخد و زمان دقیق شروع این تهدیدها و تحریمهای انجام شده توسط سردمداران حکومتی، تعیین نگشته است و در این نوع نوشته های تحقیقی، توضیح کمی درباره این مورد داده شده است.» (صفحه، ۷۱)

جدا از اصلاحیه «درنزر Drezner» در سالهای ۹۸-۱۹۹۷ مبنی بر زمان شروع و اجرای تحریم به عنوان عاملی در جهت رسیدن به روابط دلخواه آتی، هیچ کس دیگری پاسخ دقیق به این پرسش - که این نوع تحریمها چه وقتی آغاز می شود - نداده است.

در این مقاله، من می خواهم شرایطی را که نه تنها به استفاده، بلکه به تغییر سیاست تحریم در کشور مورد نظر منجر می شود کشف کنم. به چند دلیل، تنها تحریم

اقتصادی ایالات متحده را در نظر می‌گیرم: ۱. ایالات متحده، مسئول اکثر تحریم‌های اقتصادی در این قرن است. پس، اطلاع از شرایطی که ما را در رسیدن به سیاست‌های ایالات متحده در اجرای این تحریم‌ها یاری می‌کند، بسیار حایز اهمیت است. ۲. تحریم‌های اقتصادی و اطلاعات درباره سیاست‌های داخلی برای ایالات متحده، قابل دسترس بوده، صحت و دقت آن نیز بسیار است. ۳. با اینکه فرضیه‌های استفاده از زور و سیاست‌های تحمیلی، خاص یک کشور نیست با این همه بیشتر نظریات تجربی، حول محور ایالات متحده دور می‌زند و به دلیل دسترسی وسیع به اطلاعات، رابطه مستقیمی میان شرایط لازم برای اجرای تحریم‌های اقتصادی و آگاهی درباره تصمیمات سردمداران حکومتی در زمینه استفاده از نیروی نظامی، موجود است. بالدوین در سال ۱۹۸۵، تحریم‌های اقتصادی را راه حل ساده، متوسط و قابل دسترس برای سردمداران حکومتی تعریف کرد. مفهوم این تعریف، این است که رهبر یک دولت می‌تواند از تحریم‌های سیاسی، اقتصادی و یا قدرت نظامی، به عنوان ابزار کشورداری و سیاستمداری استفاده کند. البته این ابزار سیاسی، تابع قوانین خاص و منظمی است. به طور مثال، در مشاجره میان دو کشور، ابتدا موضع دیپلماتیک اتخاذ می‌شود و وقتی تنش به اوج خود رسید، احتمالاً یک یا دو دولت درگیر سعی می‌کنند زور و سلطه بیشتری اعمال کنند. مثلاً از تحریم‌های اقتصادی استفاده می‌کنند. در صورتی که استفاده از تحریم‌های اقتصادی، مؤثر واقع نشد و مشاجره همچنان اوج گرفت، آنها از قدرت نظامی کمک می‌گیرند.

(Snyder and Diesin 1977, Long 1993)

با یک مثال دیگر، این نظم را بهتر روشن می‌کنم. در زمان تجاوز عراق به کویت، اولین واکنش جامعه بین‌المللی این بود که سربازان عراقی را از منطقه اشغالی بیرون کنند (یعنی عراق باید عقب نشینی کند). در این مورد، بهترین بیان ساده و پر معنا توسط جورج بوش رییس جمهور وقت آمریکا ایراد شد: «این وضعیت دوام نخواهد یافت.»

البته حول محور این تقاضای سری تحریم‌های اقتصادی نیز اجرا شد. زمانی که عراق سرپیچی کرد، تنش اوج گرفت و عملیات طوفان صحرا آغاز شد. رهبری این عملیات، به عهده

ایالات متحده بود و جامعه بین المللی در حالی که سعی می کرد تا عراق را از کویت بیرون کند از انواع شدیدتر سیاستهای تحمیلی در عراق استفاده می کرد. گاهی اوقات، رابطه میان سطوح مختلف سیاستهای تحمیلی از آن قاعده منظم و ساده تبعیت نمی کند و از آن حد فراتر می رود. البته در مراحل مختلف تصمیمات مربوط به اجرای تحریمهای اقتصادی، شباهتهایی وجود دارد.

فهمیدن این مسئله که در مثال بالا، تصمیمات لازم در جهت اتخاذ سیاستهای تحمیلی بر عراق، اساساً شبیه هم بوده است، بسیار حایز اهمیت است. در حالی که در این مورد (جنگ عراق و کویت) میان تصمیمات اتخاذ شده تفاوتی وجود دارد (استفاده مستقیم از خشونت فیزیکی، تأکیدی بر این امر است) اما در کل، هر یک از این تصمیمات بر مبنای اهداف متشابه، بر ضد دشمن واحد و در برگیرنده موضوع (بحث و دعوا) یکسان اتخاذ شده بود. در طی تجاوز عراق، بوش می خواست عراق را از کویت بیرون کند. تصمیمات اتخاذ شده جهت افزایش سیاستهای تحمیلی و زور و فشارها بر عراق، محاسبه مشابهی را در پی داشت. اگر میان اجرای تحریمهای اقتصادی و استفاده از نیروی نظامی، رابطه ای موجود باشد در این موقع، تمرکز مقالات و سیع درباره کاربرد نیروی نظامی می تواند اطلاعات جامع و کاملی درباره شرایطی که به اعمال تحریمهای اقتصادی منجر می گردد.

در ادامه این مقاله، از تئوریهای مختلف ارایه شده در زمینه سیاستهای تحمیلی کمک می گیرم تا بتوانم طرح اعمال و اصلاح تحریمهای اقتصادی توسط ایالات متحده را تشریح کنم. همچنین با دلیل و منطق اثبات می کنم که شرایط و عوامل داخلی و بین المللی مشخص شده در این مقاله، توأم با هم می تواند در به کار گیری تحریمهای اقتصادی مؤثر واقع شود.

با استفاده از اطلاعات دوره ای (زمانی) - مقطعی (کشورهای هدف) در زمینه تلاشهای اعمال تحریم اقتصادی توسط ایالات متحده، چند فرضیه را آزمایش می کنم. درباره یافته ها بحث می کنم تا به نتایج دلخواه دست یابم.

سیاستهای تحمیلی و تحریمهای اقتصادی

شرایطی که کشورها را به استفاده از سیاستهای تحمیلی هدایت می کند. از میزان تنش بین دو کشور معترض تا استراتژی داخلی رییس جمهور و همچنین مقام و موقعیت او در چرخه انتخاباتی - تغییر می کند. تعدادی از محققان، تنها دلایل بین المللی یا ثانویه این کشمکشها را مورد تأکید قرار دادند.^۲ آنها جنگ طولانی و کشمکش میان دو کشور را به این صورت تعریف کردند: «رشد و افزایش تنش اولیه میان دو کشور بر سر برخی مسایل»

زمانی که یک کشور اعمالی انجام دهد و یا در مسایل سیاسی کشورش تغییراتی ایجاد کند که موجب ایجاد ناراحتی و تخطی بر کشور دیگری گردد، این مشاجره حاد می شود. این اقدامات به همان برداشتها بر می گردد. (Synder Deising 1977) کشوری که مورد تجاوز واقع شده از کشور متخلف می خواهد تا این عمل و سیاست اتخاذ شده را ترک کند، اما اگر او ایستادگی کرد، تنش و خصومت میان آنها بالاتر می رود و می تواند به شکل یک جنگ نظامی نمایان گردد.

عامل تعیین کننده در این مورد که آیا این مشاجره به خشونت منجر می گردد یا خیر، به میزان تنش و مشاجره و افزایش آن میان دو کشور بستگی دارد که در این زمان وقتی تنش بالاتر می رود، مشاجره میان دو کشور به اعمال خشونت می انجامد. این ویژگی با این منطق که کشورها به طور وسیع از اقدامات سیاسی خارجی و اعمال زور به منظور مطیع کردن کشور متخلف استفاده می کنند، هماهنگی و همگونی ویژه ای دارد.

همان طور که در بالا اشاره شد، نظریه بالدوین در زمینه سیاستمداری، این است که ابزار سیاست خارجی از قبیل تبلیغات و تحریمهای سیاسی، اقتصادی و نظامی در مراحل بعدی مورد استفاده قرار می گیرد تا سردمدار حکومت به اهداف خویش نایل گردد. همچنین مورگان در سال ۱۹۹۰ اثبات کرد که رهبران تمایل دارند میزان سیاستهای تحمیلی را در برابر پافشاری بیش از حد دشمنانشان افزایش دهند. تحریمهای اقتصادی، زمانی مورد استفاده قرار می گیرد که خواستها برآورده نشود. راه حل بعدی، به وضوح، استفاده از نیروی نظامی است با این فرض که مشاجره میان دو کشور آن قدر حاد باشد که

نتوان با چنین اقداماتی آن را حل و فصل کرد. ویژگی دیگر این مشاجره، پیش بینی کشور مورد تخلف واقع شده در زمینه ایجاد یک جنگ طولانی با کشور مورد نظر (متخلف) در زمانهای آتی است.

نگرانی اکثر سردمداران کشورها بر سر پاره ای از مسایل نسبی از قبیل پیروزی و شهرت کشوری می تواند احتمال وقوع جنگ میان دو کشور را قویتر و قابل فهمتر گرداند. (Drezner 1998, p.710) این مورد، موجب می شود که آنها از سیاستهای تحمیلی بیشتر و موثرتری استفاده کنند. از این تئوریهها تصویر واضحی از جنگ و اعمال قدرت و یا هر نوع دیگری از ابزار سیاستمداری شکل می گیرد. در زمان ایجاد مشاجره میان دو کشور، هر یک از آنها سعی می کنند به اقدامات سیاسی حادثتری در جهت رسیدن به اهدافشان متوسل شوند. افزایش میزان تنش و خصومت میان دو کشور، موجب اتخاذ اقدامات شدید می گردد و جنگ میان آنها در نهایت به استفاده از اعمال خشونت منجر می شود. پیروزیهای نسبی در این مشاجره، تنها عامل تعیین کننده برای استفاده از نیروی نظامی به حساب نمی آید، بلکه سیاستهای داخلی نیز در این مهم نقش ایفا می کنند. بویژه نظریه انحرافی استفاده از تاکتیکهای جنگی اثبات کرد که احتمالاً سردمداران حکومتی در زمان مواجهه با مشکلات سیاسی و یا غیره در کشورشان سعی می کنند با اتخاذ سیاستهای خارجی هیاهو به پا کنند و توجه مردم را به سمت آنها جلب نمایند. برای مثال، بیل کلینتون، رییس جمهور سابق آمریکا، افغانستان و سودان را به خاطر حمایت از اسامه بن لادن (بنا به گفته بعضی) بمباران کرد. این حمله موشکی که توسط ناوگان دریایی آمریکا صورت گرفت، درست حدود یک ساعت قبل از دومین شهادت مونیکا لوینسکی در شورای مستقل انجام شد (آمریکا با این هیاهوی نظامی می خواست توجه مردم را از افتضاح ایجاد شده منحرف گرداند) علی رغم چگونگی ارزیابی و تنظیم وقوع چنین حوادثی، رسانه های گروهی به فوریت، امکان ارتباط میان این حوادث را کشف کرده و این تصور را ایجاد می کنند که این عمل می تواند مصداق فیلم «Wag The Dog» «تکان خوردن سگی» در سال ۱۹۹۸ باشد.

همچنین کاخ سفید همزمان با رسوایی جنسی، جنگ ساختگی با آلبانی را ایجاد کرد تا اذهان عمومی را متوجه مسایل دیگر سازد تا بتواند کنترل اوضاع داخلی و آسیبهای وارده را به دست گیرد.

بعضی محققان سعی می کنند تا ارتباط مستقیم میان مشکلات داخلی و هر نوع جنگ ایجاد شده را در سالهای پس از ۱۸۸۵ بفهمند. (Levy 1989, 263-65) تحقیق، پیرامون کسب تأییدیه مقام ریاست جمهوری ما را در فهم بهتر این شرایط و حکایت تعریف شده در بالا یاری می کند. تعدادی از محققان به این نتیجه رسیدند که رییس جمهور در راستای اتخاذ سیاستهای تحمیلی و قدرت نظامی، سعی می کند تا مقام و موقعیت خود را در میان مردم در زمانی که گرداگرد وی جمع شده اند، اثبات و مستحکم کند. البته با توجه به مدارک و شواهد تجربی این نظریه، نمی توان تنها به این مورد استناد کرد که سردمداران حکومتی معمولاً از جنگ و اعمال زور در جهت جلب توجه اذهان عمومی استفاده می کنند. تجزیه و تحلیل این نظریه ها نشان می دهد که به احتمال قوی رؤسای جمهور ایالات متحده، زمانی از قدرت نظامی کمک می گیرند که حمایتشان از جانب عموم بالا باشد، نه آن قدر کم که در این نظریه به آن اشاره شده است.^۳ مورگان و بیکرز در سال ۱۹۹۲، راه حل قابل قبولی برای حل اختلاف میان ثنوری و یافته های تجربی پیدا کردند. آنها اثبات کردند که رییس جمهور، زمانی به استفاده از نیروی نظامی متمایل می شود که رضایت جانبدارانش از وضع موجود کم و در عین حال، پشتیبانی عمومی اش بالا باشد. رییس جمهور برای به دست آوردن رضایت و حمایت طرفداران خویش، سریعاً اقدام می کند، اما همچنین سعی می کند تا محبوبیت و منزلت مقامش را در میان عموم حفظ کند، زیرا این امر، سرمایه سیاسی او را نیز تأمین می کند.

با اینکه، این توضیحات نمی تواند به بحث درباره تکتیکهای انحرافی جنگ خاتمه دهد و با توجه به کاربرد سیاستهای تحمیلی، اجباراً می پذیریم که سیاستهای داخلی در اتخاذ سیاستهای خارجی تأثیر می گذارد. اگر ملاحظات و توجه به مسایل داخلی را به این موارد اضافه کنیم می توانیم یک نظریه بسیار کامل در زمینه کاربرد نیروی نظامی ایجاد کنیم. زمانی که سردمداران حکومتی تصمیم به انجام اقداماتی می گیرند، سعی می کنند تا علاوه بر عوامل

بین‌المللی از قبیل شدت مشاجره و انتظارات آینده، مقام و موقعیت خویش را در داخل کشور نیز در نظر بگیرند. هنگامی که شرایط بحرانی در کشوری ایجاد می‌شود، احتمال اینکه رئیس‌جمهور به اقدامات تحمیلی شدیدتری در جهت ایجاد شرایط ویژه در کشورش توسل جوید، بسیار است.

کاربرد تحریم اقتصادی

کاربرد توأم شرایط داخلی و بین‌المللی در زمینه اجرای تصمیم تحریم‌های اقتصادی، کاملاً صحیح نیست. بدیهی است که افزایش تنش میان دو کشور بر سر پاره‌ای از مسایل به اجرای تحریم‌های اقتصادی منجر می‌گردد و سردمداران، زمانی از تحریمها استفاده می‌کنند که دشمنانشان روی خواسته‌های خود پافشاری کنند. (Morgan 1990)

کشورهایی که به اعمال تحریم دست می‌زنند، نه تنها مشاجره جاری، بلکه مشاجره احتمالی آینده را با کشور هدف (تحریم شده) توأم با هم مد نظر قرار می‌دهند. احتمال استفاده از تحریم‌های اقتصادی در مشاجره جاری، زمانی افزایش می‌یابد که طرف مقابل، تشخیص دهد که این مشاجره در آینده به صورت جنگ ادامه می‌یابد. توجه به روابط آتی - بویژه روابط جاری با کشور هدف در زمان به کارگیری تحریم‌های اقتصادی - با نوشتارهای پژوهشی پیرامون این تحریمها هماهنگ است، زیرا این نوشتارها، دلایل بین‌المللی را در کاربرد تحریم‌های اقتصادی موکداً متذکر شده‌اند.

(Doxey 1971, Barber 1979, Renwick 1981, Hufbaver, Schott and Elliot 1990)

همان‌طور که در بالا بدان اشاره شد، بیشتر مطالعات پیرامون تحریم اقتصادی بر پایه اهداف یا دلایل تحریم از قبیل نوع روابط با کشور هدف استوار می‌باشد. به این ترتیب، می‌توانیم تحریم‌های اقتصادی را به عنوان تلاش در جهت تغییر سیاست یا سیاستهای موجود در کشور مورد نظر بدانیم. همچنین، هدف یا دلیل بکارگیری تحریم بر پایه عملکردهای کشور مورد نظر و یا سیاستهای اتخاذ شده آن است. بنابراین، برآورد وسیع مقالات پیرامون تحریم‌های اقتصادی با توصیف جنگ به عنوان شناخت ویژگیهای مشاجره از قبیل میزان تنش و احتمال

آینده در جهت رسیدن به شرایطی که به استفاده از تحریمهای اقتصادی منجر می شود، توافق نظر و هماهنگی ویژه ای دارد. چگونگی تأثیر سیاستهای داخلی بر شرایط استفاده از تحریمهای اقتصادی، از مباحثی هستند که میزان درستی و آسانی درک آن کمتر است. (از مباحث مشکل و در عین حال مهم در این امر، تحریمها می باشند.) تعدادی از محققان اثبات کردند که ملاحظات داخلی (توجه به مسایل درونی کشور) در تصمیمات مربوط به اجرای تحریم اقتصادی دخالت دارد. (Lindsey 1986, Kacmpfer and Lowenberg 1992, Simon 1996, Smith 1996)

این محققان رسماً اظهار کردند که عوامل اقتصادی و سیاسی در تعویق و یا سرعت اجرای تحریمهای اقتصادی مؤثر است. البته خود این عوامل و تحریمها به میزان ارزش و سودی که برای کشور تحریم کننده دارد بستگی دارد. هیچ یک از این محققان از عوامل سیاسی داخلی در آزمایشهای تجربی شان استفاده نکردند. آنها تنها تقدم کاربرد جنبه های داخلی استفاده از فرآیند نظامی را بر شرایطی که کشور را به سمت اجرای تحریمها هدایت می کند، متذکر می شوند. تمرکز اصلی، تنها بر پایه نظر رییس جمهور و چرخه انتخابات استوار است. به طور تجربی، محققان دریافتند که حمایت بالا از ریاست جمهوری و نزدیکی دوره انتخابات، امکان استفاده نیروی نظامی توسط وی را بالا می برد.

در تلاش به منظور به کارگیری این عوامل و با توجه به شرایط اجرای تحریمهای اقتصادی، این پرسش مطرح می شود که آیا واقعاً توده مردم به اجرای این تحریمها توجهی نشان می دهند؟ احتمالاً خیر، بویژه در زمان صف آراییی ارتش، اذهان عمومی معطوف به جنگ و نیروی نظامی گردیده و در نتیجه، توجه کمتری به تحریمهای اقتصادی می کند.

سؤال دیگر این است که چرا حمایت از ریاست جمهوری و دوره انتخاباتی در اجرای تحریمهای اقتصادی توسط رییس جمهور مؤثر است؟ پاسخ اینکه در سطح بسیار محدود، بخشی از توجه مردم به این تحریمها معطوف می شود، زیرا سیاست تحریم روی آنها تأثیر می گذارد. خسارات اقتصادی ناشی از اجرای تحریمهای اقتصادی بر کل صنایع موجود، می تواند دولت را با انتقاد مواجه سازد و بر سیاست رییس جمهور در به کارگیری این تحریمها تأثیر گذارد. در انتخابات سال ۱۹۸۰، رونالد ریگان به کشاورزان زیان دیده در تحریم

اتحاد جماهیر شوروی قول داد که سیاست جیمی کارتر را نقض و این تحریم را لغو کند. بدیهی است که ریگان قصد نداشت با کمونیست‌ها به نرمی رفتار کند، بلکه او اهمیت کشاورزان و نفوذشان را در نتیجه انتخابات به خوبی می‌دانست. برای مثال، در سال ۱۹۹۲ کلینتون به نفع بوش در فلوریدا فعالیت کرد، با این ادعا که او نسبت به دولت پیشین بر فیدل کاسترو سختگیرتر خواهد بود. کلینتون اهمیت آرای انتخاباتی ایالت فلوریدا را می‌دانست، در نتیجه با حمایت مالی، مانند پرداخت رشوه، تمام سعی و تلاشش را به کار گرفت تا آرای لازم را تأمین کند، اما در سال ۱۹۹۲ در مبارزات انتخاباتی فلوریدا شکست خورد. در سطح وسیعی، هنوز هم مقاصد و عوامل داخلی در اجرای تحریم موثرند، در حالی که توجه توده مردم به این نکته مهم، بسیار اندک است. به جای حمایت از یک ارتباط قوی (مستحکم و به طور مثال کنترل و نظارت رییس جمهور بر تعداد آرای اخذ شده و بررسی برنامه‌های انتخاباتی در مجلس) اثبات می‌کنم که در زمان ایجاد شرایط داخلی خاص، احتمال اتخاذ هر نوع اقدامی توسط رییس جمهور در جهت تأمین امنیت ملی بسیار زیاد است. بویژه اینکه رییس جمهور با حمایت عمومی بالا بهتر می‌تواند درباره این امور تصمیم بگیرد، تا رییس جمهور با حمایت بسیار کم. زمانی که انتخابات نزدیک می‌شود، این انگیزه در رییس جمهور ایجاد می‌شود که به گونه‌ای اقدام کند تا بتواند مقام و منزلت خویش را نزد توده مردم حفظ کرده و فعالتر در انتظار عمومی ظاهر شود (به قولی، بیشتر رییس جمهور به نظر آید) برای مثال، ۶ ماه قبل از دوره انتخابات سال ۱۹۹۶، از طرف کمیته مبارزات انتخاباتی به یکی از دستیاران کلینتون پیغام رسید که از رییس جمهور بخواهد برنامه وی سیاست جدیدی اتخاذ کند و این سیاست را همه روزه به همان روش تا ماه نوامبر ادامه دهد. این استراتژی، کلینتون را در انتظار عموم فعالتر نشان می‌داد.

همچنین با رجوع به دوره انتخاباتی، این مثال می‌تواند جوابگوی این باور باشد که سیاست داخلی قادر است تمایلات و خواسته‌های شخصی رییس جمهور را در زمینه انجام برخی اقدامات در کشور تغییر دهد. به طور خلاصه، می‌توان گفت که ترکیب عوامل بین‌المللی و داخلی می‌تواند در اجرای تحریم‌های اقتصادی تأثیر بگذارد. افزایش تنش

میان دو کشور و همچنین انتظار وقوع جنگ در زمانهای آتی، امکان بکارگیری تحریمهای اقتصادی توسط یک و یا هر دو کشور را افزایش می دهد. کشور مجری تحریم در برابر پافشاری کشور هدف در اجرای تمایلات و خواستههایش، به وسیله اعمال تحریمهای اقتصادی و افزایش این فشار در مراحل بعدی پاسخ می دهد. همچنین مقام و منزلت و حمایت از ریاست جمهوری می تواند رییس جمهور را در اجرای این تحریمها یاری رساند. اگر یک رییس جمهور قوی باشد (میان مردم و در وطنش) و انتخابات هم نزدیک باشد می تواند اقداماتی را اتخاذ کند که به او فرصت اجرای این تحریمها و همچنین پرداختن به مقام و تأییدیه ریاستش را با هم بدهد.

روسای جمهوری که در کشورشان از حمایت عوامل داخلی برخوردارند بهتر می توانند پاره ای از مسایل مهم سیاسی را حل و فصل کنند و همچنین در اجرای تحریمهای اقتصادی که به برانگیختن بعضی گروههای منفعت طلب منجر می گردد، ریسک کنند. بانزدیک شدن انتخابات، انگیزه فعالیت بیشتر در رییس جمهور تقویت می شود تا بتواند در آستانه انتخابات ظهور فعالی داشته باشد.

تغییر تحریم اقتصادی

بعد از اجرای تحریمهای اقتصادی، رییس جمهور، چهار راه پیش رو دارد. اول اینکه او می تواند این تحریم را به طور کامل لغو کند. دوم اینکه شدت آن را به حداقل برساند و سوم اینکه، میزان شدت تحریم را در کشور هدف، ثابت نگه دارد و در نهایت، او می تواند بر میزان سختی و شدت ممنوعیتهای اقتصادی بیفزاید (از قبیل تحریم تولیدات دیگر، بلوکه کردن سرمایه های کشور هدف و مانع رشد و افزایش سرمایه کشور هدف شدن) با توجه به افزایش شدت تحریم از لغو (اتمام) تا افزایش و شروع آن می توان این چهار راه حل را پیشنهاد کرد. برای اینکه شرایط و عوامل بین المللی در اجرای تصمیمات مربوط به تغییر سیاست تحریم موثرند، می توان گفت که این شرایط در تصمیم رییس جمهور مبنی بر اجرای تحریم اقتصادی در یک کشور مورد استفاده قرار می گیرد.

شدت تنش میان دو کشور، این امکان را افزایش می دهد که رییس جمهور دست کم سعی کند تا تحریمهای اقتصادی را در کشور مورد نظر ثابت نگه دارد، نه اینکه میزان آن را افزایش دهد. همچنین وضعیت و موقعیت داخلی رییس جمهور در اجرای تصمیمات مربوط به تغییر تحریمها تأثیر بسزایی دارد. هر قدر که رییس جمهور قدرتمندتر باشد، به همان میزان، توانایی او بیشتر می شود و بهتر می تواند در برابر فشارهای داخلی گروههای با نفوذ و خواست آنها مبنی بر اتمام سیاست تحریم ایستادگی و مقاومت کند. همچنین، فشار فعالیتهای انتخاباتی زودهنگام، رییس جمهور را به اتخاذ سیاست تحریم جدید وادار می کند تا در انظار عمومی، فعالتر جلوه کند. در قسمت بعدی درباره شرایط اجرای تحریمهای اقتصادی توضیح می دهیم تا چند فرضیه را با هم ترکیب کرده و همچنین تغییرها و اقداماتی را که در آزمایش آنها لازم است به طور گسترده توضیح دهیم. به دلیل طولانی بودن و روش بیان این فرضیه ها از تکرار آنها خودداری می کنم، زیرا این فرضیه ها درباره تصمیماتی است که به تغییر تحریمهای اقتصادی - پس از اجرای آنها در کشور مورد نظر - منجر می گردد. در مقابل، از خواننده تقاضا می کنم این فرضیه ها را در ذهن نگه دارد، زیرا در لغو، کاستن، حمایت و یا افزایش تحریمهای اقتصادی، کاربرد بسیار دارد و ما را در فهم تصمیماتی که پس از اجرا در کشور مورد نظر، به تغییر تحریمها منجر می گردد، یاری می کند.

بررسی فرضیه های مختلف در زمینه کاربرد تغییر تحریمهای اقتصادی

در ابتدا متذکر می شوم که برای اجرای تحریمهای اقتصادی بین المللی شرایطی لازم است و خود این عوامل و شرایط به روابط میان دو کشور بستگی دارد. در این مبحث چهار ویژگی را - در زمینه مناقشه میان دو کشور که به اجرای تحریمهای اقتصادی تمایل دارند - می توان برشمرد. اول اینکه، در ابتدا سطحی از تنش و مشاجره، میان دو کشور وجود دارد که این تنش ممکن است به طور نسبی و یا به سرعت افزایش و گسترش یابد. لنگ Leng در سال ۱۹۹۳ گفت که این تعریف می تواند مصداقی از همان اهمیت مشاجره میان دو کشور باشد. وقتی میزان این دو مقیاس و سطح تنش و میزان گسترش آن افزایش یابد،

احتمال اجرای تحریمهای اقتصادی توسط سردمداران یک کشور بالا می‌رود. این افزایش تنش، نشان می‌دهد که کشور هدف روی خواستههای خویش پافشاری می‌کند و در برابر تمایلات کشور فرستنده مقاومت نشان می‌دهد که این مسئله موجب می‌شود تا خصومت میان دو طرف درگیر، افزون گردد. افزایش مشاجره با کشور هدف می‌تواند نمایانگر لزوم اجرای سیاستهای تحمیلی، از قبیل تحریمهای اقتصادی برای کشور فرستنده باشد. همچنین، کشور تحریم‌کننده، آینده و مدت زمان ادامه این مشاجره و عمق آن را در نظر می‌گیرد.

اگر سرعت افزایش مشاجره، حاد و بحرانی باشد، رئیس‌جمهور متوجه می‌شود که راه‌حلهای سیاسی، موثر واقع نمی‌شوند و غیر محتمل است، در نتیجه، انگیزه اعمال تحریمهای اقتصادی در او تقویت می‌گردد.

فرضیه یکم: افزایش سطح کامل تنش میان دو کشور، احتمال اجرای تحریمهای اقتصادی را قوت می‌بخشد.

فرضیه دوم: افزایش و گسترش دامنه این مشاجره، امکان اجرای تحریمهای اقتصادی را بالا می‌برد.

با توجه به این عقیده که گسترش دامنه مشاجره میان دو کشور، امکان اجرای تحریمهای اقتصادی را قوت می‌بخشد، می‌توان گفت که حساسیت کشور تحریم‌کننده در برابر استراتژی خاص و برانگیزنده و یا عوامل محرک کشور هدف، موجب اجرای تحریمهای اقتصادی توسط کشور فرستنده می‌گردد. اگر کشور هدف، وضعیت تهاجمی ویژه و یا اقدامات تحریک‌آمیز اتخاذ کند، میزان مشاجره و دامنه آن افزایش می‌یابد، اما در کل، نتیجه این اقدامات و یا نفس این اعمال موجب می‌شود تا کشور فرستنده، تحریمهای اقتصادی را اجرا کند. به طور مثال، تعرض شوروی به افغانستان، موجب شد که کارتر، ورود غلات و حبوبات را به این کشور ممنوع کند. در حالی که مشاجره و میزان گسترش آن میان دو کشور بالا بود. اما نفس این اقدام تهاجمی و محرک، انگیزه‌ای برای اجرای تحریمهای اقتصادی توسط کارتر محسوب می‌شد.

فرضیه سوم: اتخاذ استراتژی و یا اقدامات تحریک آمیز توسط کشور هدف (مهاجم) می تواند تمایل کشور فرستنده را در جهت اجرای تحریمهای اقتصادی بیشتر کند.

آخرین ویژگی این مشاجره که به اجرای تحریمهای اقتصادی منجر می گردد، پیش بینی و انتظار جنگ با کشور هدف در آینده است. در زرنر Drezner اثبات کرد، زمانی که کشورها احتمال جنگ با یکدیگر را می دهند، تمایل هر یک نسبت به کسب پیروزی و شهرت و غرور نسبی افزایش می یابد. در زمان گسترش مشاجره میان کشور فرستنده و کشور هدف، اگر کشور تحریم کننده تشخیص دهد که این مشاجره متناوباً به آینده نیز کشیده می شود، آنگاه، احتمال اعمال تحریم اقتصادی توسط کشور فرستنده افزایش می یابد، در نتیجه، به همان میزان، نگرانی کشور تحریم کننده، نسبت به شهرت و ثبات موقعیتش افزایش می یابد.

فرضیه چهارم: پیش بینی و انتظار مشاجره و جنگهای متناوب با کشور هدف می تواند انگیزه ای برای کشور فرستنده باشد تا از تحریمهای اقتصادی استفاده کند.

دومین مجموعه شرایطی که در اجرای تحریمهای اقتصادی توسط کشور تحریم کننده ضروری به نظر می رسد، شرایط داخلی و حوزه داخلی کشور تحریم کننده است که دارای سه ویژگی است: ابتدا پشتیبانی اکثریت از رییس جمهور در کشور مطرح است که اساساً این مورد می تواند در انجام مسایل مهم سیاسی مؤثر باشد. هر قدر هم که اهمیت این مسایل بیشتر باشد، قدرت و نفوذ و راه حل های رییس جمهور باید افزایش یابد. با توجه به اینکه استفاده از این تحریمها می تواند به بیگانگی و تضاد داخلی منجر گردد، رییس جمهور با پشتیبانی اکثریت در جهت رفع مسایل مهم سیاسی و اعمال نفوذ در کشور هدف از تحریمهای اقتصادی استفاده می کند. اساساً یک رییس جمهور قوی در به کارگیری تحریمهای اقتصادی، اطمینان و اعتماد به نفس بیشتری دارد، زیرا به خاطر قدرت و نفوذ بسیارش می تواند در برابر مخالفت های برخی گروههایی که با اجرای تحریمها مخالف هستند، مقاومت کند و عقیده و نظر خویش را به اجرا بگذارد.

فرضیه پنجم: زمانی تمایل به اجرای تحریمهای اقتصادی در رییس جمهور ایجاد می گردد که بداند دارای اقبال عمومی و حمایت بالایی است.

همچنین، انتخابات در اجرای تحریمهای اقتصادی، تأثیر بسزایی دارد. با نزدیک شدن زمان انتخابات، رؤسای جمهور سعی می کنند در عرصه عمومی، حضور فعالی داشته باشند که این مهم، توان سیاست داخلی و خارجی را با هم شامل می شود. همچنین، می توان نزدیک شدن دوره انتخاباتی را به عنوان عاملی در جهت افزایش امکان اجرای تحریم اقتصادی تعریف کرد. نتیجه این عامل می تواند بسته به میزان پشتیبانی اکثریت از ریاست جمهوری تغییر کند. واضحتر می توان گفت که رییس جمهور با محبوبیت بالا با نزدیک شدن انتخابات تمایل بیشتری به اجرای تحریمهای اقتصادی دارد تا نفوذ خود را نشان دهد، اما یک رییس جمهور با محبوبیت کمتر در سالنامه انتخاباتی مجلس، تمایل کمتری به این امر نشان می دهد. یک رییس جمهور قدرتمند هنوز هم لازم است تا حضور فعالی میان عموم داشته باشد و همچنین در اتخاذ اقداماتی از قبیل تحریمهای اقتصادی، پشتوانه کافی را دارا باشد و در صورت وارونه شدن نتیجه این اقدامات، رییس جمهوری باز هم سرمایه و ابزارهایی دارد که بتواند به آنها اتکا کند و پیامد این تصمیمات را تحمل کند. اما اساساً یک رییس جمهور ضعیف و بی نفوذ، این پشتوانه ها و ذخایر را ندارد و همچنین احتمال اجرای تحریمهای اقتصادی توسط او کمتر است، زیرا بیم آن می رود مخالفانش، مدیران صنایع داخلی را تحریک کنند تا به نفع دشمنان وی عقب نشینی کنند (یعنی تحریم را به اجبار گروههای مخالف لغو گرداند)

فرضیه ششم: با نزدیک شدن زمان انتخابات، احتمال اجرای تحریمهای اقتصادی افزایش می یابد.

فرضیه هفتم: نزدیک شدن زمان انتخابات و اقبال عمومی بالای رییس جمهوری توأم با هم تأثیر متقابلی در اجرای تحریمهای اقتصادی می گذارد.

مجموع این فرضیه ها، نه تنها در اجرای تحریمهای اقتصادی مؤثر است، بلکه پس از اجرا در کشور هدف، در جهت تغییر این تحریمها مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین رییس جمهور پس از اعمال تحریم در کشور هدف می تواند این سیاست را لغو کند، از میزان آن بکاهد، آنها را حمایت کند و یا بر شدت آن بیفزاید.

با استفاده از فرضیه‌های یکم و دوم در زمینه تغییر سیاست تحریم، می‌توان گفت که افزایش سطح مطلق تنش و گسترش دامنه این مشاجره، احتمال حمایت و یا افزایش تحریم‌های اقتصادی در کشور هدف را افزایش می‌دهد و با توجه به فرضیه سوم، این طور اثبات می‌شود که فعالیتهای برانگیزاننده توسط کشور هدف، حاوی این پیام برای کاخ سفید است که کشور هدف به مقاومت در برابر تحریمها ادامه می‌دهد و موجبات شکست کشور تحریم کننده را فراهم می‌سازد و فرضیه چهارم اینکه، زمانی که کشور فرستنده تشخیص دهد این مشاجره در آینده به جنگ منجر می‌گردد، تلاش می‌کند سیاست تحریم را در کشور افزایش دهد و یا دست کم ثابت نگه دارد. فرضیه پنجم نشان می‌دهد که اقبال عمومی و تأییدیه بالا این اجازه را به رییس جمهور می‌دهد تا در انجام اقدامات مورد نظر، اختیارات وسیعتری داشته باشد که این، موجب افزایش تحریم می‌گردد تا کاهش آن. همچنین، نزدیک شدن زمان انتخابات (فرضیه ششم و هفتم)، به جای لغو تحریم، موجبات افزایش آن را فراهم می‌سازد و انگیزه فعالیت بیشتر را در رییس جمهور بیدار می‌کند.

در قسمت بعدی تلاش می‌شود تا اطلاعاتی که برای آزمایش دو گروه فرضیه‌ها (فرضیه‌های اجرای تحریم و فرضیه‌های تغییر سیاست تحریم) ضروری است مورد بحث و بررسی قرار گیرد. این آزمون در دو مرحله صورت می‌پذیرد: ۱. تمرکز بر اجرای تحریم‌های اقتصادی ۲. تمرکز بر اقداماتی که پس از اجرای تحریمها توسط رییس جمهور اتخاذ می‌گردد. در پایان، تلاش بر این است تا از این مباحث نتایج دلخواه و مورد نظر به دست آید.

اطلاعات

به دلیل علاقه وافر من در زمینه شرایطی که به اجرا و یا لغو تحریم اقتصادی منجر می‌گردد، سعی می‌کنم اطلاعات موجود در این مورد را در دو واحد زمان (دوره‌ای) و مکان (کشورهای مختلف) به طور وسیع و گسترده تعبیر و تفسیر کنم.

اطلاعات دوره‌ای و زمانی، می‌تواند نمایانگر اجرا و لغو تحریم‌های اقتصادی به طور همزمان باشد، در حالی که اطلاعات مقطعی (مکانی) از کشورهای هدف، عمومیت بیشتری

دارد و وسیعتر است. البته اطلاعات جمع‌آوری شده در این مقاله، به صورت دوره‌ای (زمانی) و هم به صورت مقطعی (کشورهای هدف) تألیف شده که با توجه به این اطلاعات، دو واحد را برای تحلیل آنها در نظر می‌گیرم:

۱. ماه (واحد زمانی) ۲. کشور هدف (واحد مکانی). این نشان می‌دهد که هر یک از این اطلاعات وابسته به یک کشور خاص در یک ماه است. اولین عامل وابسته، اجرای تحریمهای اقتصادی توسط ایالات متحده آمریکا است که در ماههای معین مورد بررسی قرار گرفته است.^۴ این متغیر، نیاز به اطلاعاتی دارد تا نشان دهد که تحریمهای اقتصادی در هر کشور هدف در ماه معین صورت گرفته یا خیر. علامت ۱، نمایانگر اجرای تحریم است و علامت صفر، یعنی اینکه تحریم، صورت نگرفته است. دومین عامل وابسته در این جدول اطلاعاتی، تغییر سیاست تحریم پس از اجرای آن در کشور هدف توسط ایالات متحده است. اطلاعات لازم برای این متغیر، ترتیب خاصی دارد و به صورت زیر شماره‌بندی می‌شود: ۱. لغو تحریمها ۲. کاهش تحریمها ۳. حمایت تحریمها ۴. افزایش تحریمها. اطلاعات لازم برای این دو عامل وابسته توسط حقایقی که روی فایل ضبط شده و همچنین تلاشهای هاف بر، اسکات و ابلیوت (b، ۱۹۹۰ a، ۱۹۹۰) در دوره‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۸ برای ۴۴ کشور هدف، جمع‌آوری شده است.

۲۲ تا از این کشورها در یک دوره ۳۱ ساله توسط ایالات متحده، تحریم اقتصادی شده‌اند (لیست اسامی این کشورها در جدول شماره ۳ آمده است) و ۲۲ کشور باقیمانده به طور اتفاقی هرگز تحریم نشده‌اند.^۵ این کشورها نقش گروههای کنترل را ایفا می‌کنند. نتیجه نهایی، اطلاعاتی هستند که در این جدول با شماره ۱۶/۳۶۸ مشخص شده‌اند. به منظور اندازه‌گیری تنش میان ایالات متحده و کشورهای هدف از بانک اطلاعاتی جنگ و صلح (CPDB)* در مقیاس جنگ و همکاری مسالمت‌آمیز میان آنها استفاده می‌کنم. این مقیاس از شماره ۱ تا ۱۵ شماره‌بندی شده است. شماره ۱۵، نمایانگر جنگ تمام عیار و همه‌جانبه و شماره ۱، نمایانگر همکاری صلح‌آمیز است (ص ۱۴۸، ۱۹۸۵ Azar).^۸ برای یافتن معیاری

* Conflict and Peace Data Bank

در جهت معرفی نقطه تنش ثانویه میان دو کشور در زمانی که رفتارهای تهاجمی و تنش در سطح بالایی بوده و باهم در یک میزان قرار دارد، میانگین دو شماره U.S. - کشور هدف و کشور هدف - U.S. (میزان فشار از دو طرف یکسان است) به صورت یک معیار در نظر گرفته شد و آن، نقطه اوج Magnitude نامیده شده است.

همه این اطلاعات در واحد زمانی ماه جمع آوری شده است. اگر چه جمع آوری و بررسی این اطلاعات در واحد روز بسیار ریز و دقیق و کاملتر است، اما جمع بندیهای ماهانه این اجازه را به ما می دهد تا در سطح وسیعتری این متغیرها را برآورد کنیم. برای یافتن معیاری که نشان دهنده ضرورت و فوریت اقدامات باشد، بر حسب درصد، شماره های CPDB، ایالات متحده و کشور هدف به معیار دیگری به نام Escalate (نقطه افزایش اقدامات) تغییر داده شد.^۹

برای اندازه گیری اقدامات برانگیزاننده و محرک، نمره CPDB، ایالات متحده در جهت کشور هدف از نمره CPDB، کشور هدف در جهت ایالات متحده کم شد. سپس عدد مثبت بالایی به دست آمد که نمایانگر این بود که بیشتر اعمال برانگیزنده در جهت ایالات متحده صورت می پذیرد (یعنی کشورهای هدف، اقداماتی اتخاذ می کنند که ایالات متحده را به اجرای تحریم تحریک می کند) در این مقاله، من تنها اقدامات برانگیزنده و محرک توسط کشور هدف را مورد بررسی قرار می دهم، زیرا این اقدامات اگر توسط ایالات متحده صورت پذیرد، به اجرای تحریم منجر نمی شود، اما اتخاذ این اعمال توسط کشور هدف، ایالات متحده را به اجرای تحریم سوق می دهد تا واکنشی در برابر ایستادگی و اقدامات تهاجمی کشور هدف باشد.

بدین ترتیب برای تمامی نمرات منفی (زمانی که ایالات متحده به عنوان عامل تحریم عمل می کند) و همچنین تمام موارد مهم و نامعلوم معیار صفر را در نظر می گیرم. بنابراین، عامل متغیر برای تمام شواهد - چه زمانی که ایالات متحده به صورت محرک عمل می کند و چه زمانی که هیچ انگیزه ای در اتخاذ اقداماتش موجود نیست - صفر است. نهایتاً به این نتیجه دست می یابیم که عامل متغیر Provoke تنها برای اقدامات برانگیزاننده و تحریک آمیز کشور

هدف در جهت ایالات متحده به کار می‌رود. به دنبال نظریهٔ درنزر در سال ۱۹۹۸ و با کمک اطلاعات هاف بر، اسکات و ایلویت در سال ۱۹۹۵ در زمینهٔ روابط پیشین کشور تحریم کننده و کشور هدف، سعی کردم تا احتمال وقوع جنگ در زمانهای آینده را اندازه‌گیری کنم.

این عامل متغیر، انتظار برخورد (Conflict expectation) نام گرفت و با دو عدد ۱ و صفر نشان داده شد که عدد ۱ نمایانگر زمانی است که روابط قبلی، خصومت آمیز بود و عدد صفر، نمایانگر زمانی که این روابط، خنثی (بیطرف) و یا مسالمت آمیز بود.

میزان محبوبیت ریاست جمهوری را می‌توان با سؤال کالوپ پل Callup Poll روشن ساخت: «آیا شما روشی را که رییس جمهور (برای مثال نام یک رییس جمهور) در جهت به انجام رساندن وظیفه‌اش اتخاذ کرده است تأیید می‌کنید یا رد می‌کنید؟»

معمولاً این اطلاعات به صورت ماهانه بررسی می‌شود، اما زمانی که بیش از یک برآورد اطلاعاتی در یک ماه صورت می‌گیرد، آن وقت میانگین آن محاسبه می‌شود.

در طول دورهٔ ریاست ترومن، آیزنهاور و کندی، کمتر ماهی بود که در آن مورد بررسی و برآورد کاری قرار نگرفته باشند. در این نمونه‌ها، از یک میانگین یا میانگین متحرک (این میانگین در طول دورهٔ انتخاباتی ریاست جمهوری ضرورت دارد) در جهت تکمیل اطلاعات استفاده می‌شود.^{۱۰}

با بررسی و برآورد تعداد ماهها از آخرین دورهٔ انتخاباتی یا انتخابات میان دوره‌ای، نگرانیهای مربوط به انتخابات مورد بررسی قرار می‌گیرد.^{۱۱} این عامل متغیر از شمارهٔ ۰ تا ۲۳ تنظیم و مرتب شده است. نگرانیهای مربوط به میزان محبوبیت ریاست جمهوری و نزدیکی انتخابات، اثر متقابلی روی هم می‌گذارند، به این ترتیب که رییس جمهور هر قدر که به انتخابات نزدیکتر می‌شود، به همان نسبت هم نگرانیهایش در زمینهٔ کسب اقبال عمومی و محبوبیت افزایش می‌یابد.^{۱۲} برای مثال، رییس جمهوری که با محبوبیت و اقبال عمومی بسیار به این مقام نایل می‌گردد، پس از گذشت سه سال از انتخاب، وی تمایل به جنگ دارد. اما یک رییس جمهور با همان محبوبیت که دو سال از انتخاب وی می‌گذرد، بیشتر تمایل به اجرای تحریمهای اقتصادی دارد، زیرا زمینهٔ برای انجام چنین ریسکهایی برای او بیشتر است.

برای تعیین معیاری در جهت اندازه‌گیری نگرانیهای مربوط به موضوع حمایت و انتخابات، اصطلاح تأییدی الکتروال (Electoral approval) که حد وسط در متغیر approval (تأییدی) و Election proximity (نزدیکی دوره انتخاباتی) می‌باشد، در نظر گرفته شد.

آزمایش طرح پیشنهادی

اکنون که فرضیه‌ها به طور کامل و به روشنی توضیح داده شد، با رجوع به مباحث قبل در باره روشها، تلاش می‌شود تصمیمات مربوط به اجرا و یا تغییر تحریمهای اقتصادی مورد برآورد، بررسی و آزمایش نهایی قرار گیرد.

۱۰۳

به کارگیری تحریم اقتصادی

با یادآوری این مسئله که اطلاعات جمع‌آوری شده در دو مقطع زمانی و منطقه‌ای (مقطعی) تهیه و تنظیم شده است و واحد و معیار تجزیه و تحلیل ما ماه - کشور هدف (هر یک از اطلاعات مربوط به یک کشور خاص و در یک ماه معین می‌باشد) به ادامه بحث می‌پردازیم. از آنجا که این اطلاعات در یک دوره زمانی جمع‌آوری شده‌اند، این امکان وجود دارد که یک مرحله در میان این بررسیها از قلم افتاده باشد. با توجه به این امر که اولین متغیر وابسته، یعنی اجرای تحریمهای اقتصادی توسط ایالات متحده حالت مضاعف دارد، این امکان را در این اطلاعات بغرنجتر می‌کند. این نوع اطلاعات، همانند اطلاعات جمع‌آوری شده با وقفه زمانی نمی‌تواند به صورت مدل پیشنهادی در آید، زیرا اطلاعات کافی را برای ایجاد یک طرح پویا و پر تحرک، ارایه نمی‌کند و دلیل این امر می‌تواند این باشد که کیفیت مثبت و یا منفی (جواب آری یا خیر) این متغیر وابسته نمی‌تواند روند اطلاعاتی را برای دوره بعدی فراهم سازد.

در زمان بروز مشاجره میان ایالات متحده و برخی کشورها، اجرای تحریمهای اقتصادی، یک راه حل است. در نتیجه، بر پایه اینکه کشوری در ماه ژانویه تحریم نشده است نمی‌توان برآورد کرد که این کشور در ماه فوریه تحریم می‌شود یا خیر.^{۱۳}

این طرح، در مورد کشور های کنترل، صدق نمی کند، زیرا آنها هرگز تحریم نشده اند. اجرا نشدن تحریم در گذشته، در مورد این کشور ها نمی تواند نمایانگر این باشد که این کشور ها در آینده نیز تحریم نمی شوند. همچنین، کشور هایی هم که تحریم شده اند با توجه به این وقفه زمانی و اطلاعات زمانی مضاعف نمی تواند طبق این مدل مورد بررسی قرار گیرد.

یکی از ویژگیها و شرایط تحریم این است که احتمال اجرای تحریم اقتصادی توسط رییس جمهوری که هنوز از اشکال مختلف سیاستهای تحمیلی استفاده نکرده است، بیشتر و قویتر است. بر عکس، رییس جمهوری که از تحریمهای اقتصادی در حل مشاجره استفاده کرده، امکان کمتری دارد که در افزایش تنش، باز هم از این سیاست بهره جوید. او سعی می کند که این مشاجره را افزایش دهد و به آن دامن زند تا در زمینه اعمال تحریم، امکان فعالیتهای شدیدتر و موثرتری را در ایالات متحده ایجاد کند. بنابراین، با توجه به اینکه تحریمهای اقتصادی ماه پیش در کشور هدف مورد استفاده قرار نگرفته، نمی توان گفت که این تحریمها در حال حاضر در آن کشور اجرا نمی شود. یعنی این امکان هم هست که در فرم شدیدتری این تحریمها مورد استفاده قرار گیرد.

بک، کاتز و تارکر* در سال ۱۹۹۸ به یک راه حل عملی در جهت حل این معضل دست یافتند.^{۱۴} بر پایه این عقیده که اطلاعات جمع آوری شده به صورت زمانی - مقطعی (به صورت مضاعف و در کنار هم) و اطلاعات کسب شده در طی مدت مشخص باهم مساوی و مشابه هستند می توان گفت که متغیری که برای بررسی دوره های زمانی به کار می رود (در این مقاله، ماه را به عنوان واحد زمانی در نظر گرفتیم) از آخرین حادثه صورت گرفته (یعنی ماهی که تحریمهای اقتصادی اجرا شده است)، می تواند اطلاعات لازم را در جهت ایجاد مدل و طرح لازم برای برآورد اجزای زمانی این اطلاعات فراهم سازد.^{۱۵} این عامل متغیر زمانی در این جدول اطلاعاتی، ناهماهنگیهایی ایجاد می کند که برای رفع این مشکل، دانشمندان واحد طبیعی اندازه گیری را پیشنهاد کردند که این تغییر زمانی که شامل یک واحد اصلی

* Beck, Katz, Turcker

شمارش و تعدادی (سه جزء) می باشد، یک رابطه زمانی (موقتی) در میان اطلاعات ایجاد می کند که در مدل کلی طرح تأثیر چندانی نمی گذارد. فقط در جهت بررسی و برآورد اطلاعات کاربرد دارد. یک ویژگی دیگر این اطلاعات که باید قبل از آزمایش، مورد بررسی و توجه قرار گیرد این است که اطلاعات دوره ای - مقطعی مضاعف (به صورت جفتی) توسط مدل Fixed-effect به دست آمده است. (این مدل، اختلاف بین کشورهای مختلف را با استفاده از یک متغیر ساختگی برای هر یک از کشورها در معادله حساب می کند).^{۱۶} اما با استفاده از این اطلاعات (در این مدل پیشنهادی) کشورهایی که تحریم نشده اند بی اختیار از قلم می افتد، زیرا این متغیر ساخته شده در این نمونه ها ثابت می ماند. در نتیجه ما از مدل Fixed-effect استفاده می کنیم تا در یافته های ما خللی ایجاد نشود و مدل Fixed-effect در اینجا کاربردی ندارد. با استفاده از این طرحهای پیشنهادی و رجوع منطقی به اطلاعات جمع آوری شده، مدل (جدول ۱)^{۱۷} را برای این کار تخمین می زنیم. در کل، این مدل خیلی دقیق طرح ریزی شده است و حدود ۹۷/۸ درصد از نمونه ها را در بر می گیرد. (مدل ساده ای که تنها ۳۰/۴ درصد از تحریمهای اقتصادی را پیشنهاد می کند) و عامل ساختگی در این مدل، ۸۵ درصد است ($Pseudo-R^2 = ۸۵$).

مدل پیشنهادی تمام فرضیه ها - غیر از دو فرضیه دوم و سوم - را مورد حمایت قرار می دهد، اما این دو فرضیه نیز کاربرد و مفهوم جالبی دارد. در ابتدا نتایج حاصله از آن طرح فرضیه یکم را اثبات می کند (سطح بالای تنش منجر به اجرای تحریم اقتصادی می گردد) هر قدر میزان تنش، میان ایالات متحده و کشور هدف بیشتر باشد به همان میزان، تمایل رییس جمهور در به کارگیری تحریمهای اقتصادی افزایش می یابد. البته برآورد و نتیجه، تعجب برانگیز نیست و تنها اثباتی بر این فرضیه ها است.

همچنین، فرضیه چهارم توسط این مدل اثبات می گردد، که انتظار وقوع جنگ با کشور هدف در آینده امکان اجرای تحریمهای اقتصادی را افزایش می دهد. در زمان ایجاد مشاجره میان ایالات متحده و بعضی کشورها، وقتی سطح تنش آنها را به جنگ و ستیز نکشاند و احتمال اجرای جنگ، میان آنها کم و یا هیچ باشد،^{۱۸} این احتمال که رییس جمهور

از تحریمهای اقتصادی استفاده کند، کمتر است (۴۴ درصد امکان اجرای تحریمهای اقتصادی وجود دارد)

اگر احتمال ایجاد جنگ در آینده، قوی باشد، بسته به سطح تنش میان آنها، رییس جمهور از تحریمهای اقتصادی استفاده می کند (۶۱ درصد)^{۱۹} در چنین مواقعی، انتظار وقوع جنگ در آینده به اجرای تحریمهای اقتصادی منجر می گردد. فرضیه دوم و سوم، (افزایش و گسترش دامنه مشاجره و اقدامات برانگیزنده توسط کشور هدف موجب اعمال تحریمهای اقتصادی می شود) در این مدل حمایت نمی شود. نتایج حاصله نشان می دهد که افزایش سطح مشاجره و اتخاذ اعمال تحریک کننده توسط کشور هدف، احتمال اجرای تحریمهای اقتصادی توسط ایالات متحده را کاهش می دهد. این موارد در ابتدا نسبتاً دور از عقل به نظر می آید، اما در برابر ده سؤال که چرا ایالات متحده در رویارویی با یک مشاجره گسترده، یا یک کشور ستیزه جو و مهاجم لزوماً عقب نشینی می کند؟ شاید پاسخ این باشد که کشور هدف، به طور موفقیت آمیزی با اتخاذ اقدامات تحریک آمیز و همچنین دامن زدن به مشاجره، ایالات متحده را از تهدید اجرای تحریمهای اقتصادی بر حذر داشته است و همچنین این اقدامات می تواند نمایانگر پایداری و استقامت کشور هدف در برابر فشارهای تحریم باشد [یعنی ایالات متحده تشخیص می دهد که اجرای این سیاست، مثرتر واقع نمی گردد]. طبق نظریه گالتونگ (۱۹۶۷) و رالاند در سال ۱۹۹۵، تحریمهای اقتصادی می تواند به افزایش حمایتهای داخلی برای رهبر کشور هدف منجر گردد و این حمایت، پایداری و استقامت کشور هدف را در برابر فشارهای تحریم آسان و افزون می گرداند.

در زمانی که رییس جمهور ایالات متحده متوجه حمایت و پشتیبانی رهبر کشور هدف توسط مردم و طرفدارانش گردد، سعی می کند تا از اقداماتی با شدت کمتر استفاده کند. [مواقعی که رهبر کشور هدف از اقدامات محرک و برانگیزاننده با شدت بسیار استفاده می کند و همچنین از حمایت مردم و کشورش نیز برخوردار می باشد، رییس جمهور سعی می کند تا از اقدامات شدید سیاسی، از قبیل اتخاذ نیروی نظامی استفاده نکند]^{۲۰}

زمانی که مشاجره خیلی حاد و وخیم نیست، اتخاذ اعمال تهاجمی در کشور هدف، معمولاً مانع اجرای تحریمهای اقتصادی توسط رییس جمهور ایالات متحده می شود، اما زمانی که مشاجره، میان آنها تمایل به جنگ و ستیز پیدا می کند و تنش میان آنها به اوج می رسد در اینجا دیگر کشور هدف، محرک اجرای تحریمها نیست، بلکه خود رییس جمهور آماده است تا اقدامات سیاسی (مثل تحریم) را اتخاذ کند. بنابراین، اگر کشور هدف به طور موفقیت آمیز بخواهد که رییس جمهور ایالات متحده را از اجرای تحریمها بر حذر کند باید قبل از اینکه سطح مشاجره اوج بگیرد و به سمت جنگ، متمایل شود، این اقدامات را در جهت منع تحریمها به کار برد. زیرا وقتی تنش و مشاجره اوج گرفته و حاد می شود، اجرای تحریمهای اقتصادی، بدیهی به نظر می آید.

نتایج حاصله از بررسی فرضیه های داخلی (شماره های ۵، ۶، و ۷) نشان می دهد که این فرضیه ها، تأثیر عوامل داخلی مانند محبوبیت رییس جمهوری، نزدیکی انتخابات و ترکیب این دو عامل را بر اجرای تحریمهای اقتصادی بسیار می داند.^{۲۱} برای اینکه دو عامل متغیر (تاییدیه و انتخابات) را بهتر بفهمیم آن دو را با هم ترکیب کرده (تاییدیه انتخاباتی) و به صورت یک عامل متغیر در نظر می گیریم. در زیر من از دو مثال استفاده کردم تا این موضوع را بهتر مورد بررسی قرار دهم [مثالهای استفاده شده از مدل، مشتق شده و فرضی هستند، اما در کل، ترجیحاً به جای استفاده از مثالهای فرضی با تاییدیه های خیلی بالا و یا خیلی پایین، دو رییس جمهور آیزنهاور و نیکسون در نظر گرفته می شود تا به حقیقت نزدیکتر باشد].^{۲۲}

در مثال اول می توان یک رییس جمهور را در نظر گرفت که یک ماه از انتخابات ریاست جمهوری و تنفیذ وی سپری شده است و ۷۰ درصد آرا را به خود اختصاص داده است. در این مورد اگر ایالات متحده با کشوری وارد بحث و مشاجره شود و خصومت و دشمنی میان آنها افزایش یابد، به حدی که تنش به حد شماره ۹ یا بالاتر برسد، یک رییس جمهور قدرتمند از تحریمهای اقتصادی استفاده می کند. دو ماه بعد همان رییس جمهور دوباره انتخاب می گردد. حالا با یک تاییدیه ۷۵ درصدی، در این برهه او کمی

زودتر از تحریمهای اقتصادی استفاده می کند و اجازه نمی دهد قبل از اجرای فشارهای اقتصادی، میزان تنش به حدشماره ۸ برسد و از آن حد فراتر رود. این رییس جمهور قدرتمند بدون ترس از واکنش سیاستمداران داخلی و سران صنایع داخلی کشور، تحریمهای اقتصادی را اجرا می کند.^{۲۳}

اما برای یک رییس جمهور با پشتوانه ضعیف، این مورد، صدق نمی کند. در ماه اکتبر، قبل از انتخابات ریاست جمهوری، یک رییس جمهور با تأییدیه ۴۲ درصدی یا کمتر، صبر می کند تا تنش به شماره ۱۱ برسد، سپس تحریمهای اقتصادی را به کار می برد. دو ماه بعد که دوباره همان رییس جمهور انتخاب می شود مانند یک رییس جمهور قوی عمل می کند (اجرای تحریم در شرایطی که تنش به شماره ۸ و یا بالاتر برسد) این رییس جمهور با نزدیک شدن انتخابات از اعمال تحریمهای اقتصادی اجتناب می ورزد، زیرا در چنین شرایطی، امکان برانگیختن مدیران صنایع داخلی، افزایش می یابد و می تواند اثر منفی بر روی مبارزات و فعالیتهای رییس جمهور و طرفدارانش در انتخابات میان دوره ای بگذارد. به این دلیل تا زمانی که مشاجره به سطح حاد و جدی نرسیده باشد، این رییس جمهور از تحریمهای اقتصادی استفاده نمی کند. در زمانی که انتخابات نزدیک نباشد، حتی رییس جمهور ضعیف هم می تواند بدون ترس از واکنش عوامل سیاسی داخلی تحریمهای اقتصادی را به اجرا در آورد. در چنین شرایطی، رییس جمهور به انواع اقدامات متوسل می شود تا بتواند وجهه خوبی در میان مردم پیدا کند (در نظر مردم فعال باشد تا آنها روش ریاستش را پذیرفته و تأیید کنند) که این اقدامات، شامل اتخاذ سیاست خارجی در شکل تهاجمی و با شدت بسیار جلوه می کند. همچنین، قبل از انتخابات، وقت کافی پیدا می کند تا اذهان عمومی را نسبت به خویش تغییر دهد، اما وقتی انتخابات به اجرا گذاشته می شود، او این فرصت طلایی را از دست می دهد و احتمال دارد که برخلاف میلش ریسک کند. (یعنی در آن شرایط نامطلوب، تحریم اقتصادی را اعمال کند).

البته اثر این عوامل داخلی، حاشیه ای است (گاهی ممکن است اثر کمی داشته باشد) زیرا تفاوت میان رییس جمهور قوی و ضعیف آشکار است. در زمان نزدیک شدن به

انتخابات، همهٔ رؤسای جمهور از تحریمهای اقتصادی استفاده می کنند و این امر، بیشتر زمانی صورت می پذیرد که مشاجره میان دو کشور به اندازهٔ کافی حاد و وخیم باشد. یک رییس جمهور، حتی با یک تأییدیهٔ اندک، در زمانی که انتخاباتی در کار نباشد، تمایل به جنگ ندارد، زیرا نمی خواهد مقام و محبوبیت خویش را از دست بدهد، بلکه سعی می کند این موارد را قدرت بخشد. قدرت، راه حل و یا یک راه گریزی برای یک رییس جمهور محسوب می گردد، نه دلیلی برای اتخاذ اقدامات او. با توجه به تحریمهای اقتصادی اخیر می توان گفت احتمال اجرای تحریمهای اقتصادی توسط رییس جمهور در جهت افزایش حمایت و کسب اقبال عمومی تقریباً وجود ندارد، زیرا انتخابات، تنها زمانی اهمیت دارد که وقوع آن نزدیک باشد. به این دلیل که نزدیکی دورهٔ انتخاباتی ایجاب می کند که رییس جمهور در اتخاذ اقدامات خویش احتیاط لازم را به کاربرد و مبارزات انتخاباتی را به خاطر یک اشتباه و یا اتخاذ یک سیاست نادرست ترک نکند. بنابراین، تأثیر عوامل داخلی، به عنوان عاملی در اجرای تحریمها، زمانی مثمر واقع می شود که ایالات متحده با کشور دیگری، بحث و مشاجره داشته باشد.

۱۰۹

تغییر تحریمهای اقتصادی

در اینجا بحث مقاله را حول محور تصمیماتی که موجب تغییر در تحریمهای اقتصادی می گردد، دنبال می کنیم (اقداماتی که پس از اجرای تحریمهای اقتصادی در کشور هدف صورت می پذیرد) رییس جمهور می تواند این تحریمها را لغو کند، کاهش دهد، حمایت کرده و یا افزایش دهد. اطلاعات باز در دو مقطع زمانی - مکانی، تنظیم شده و فقط شامل کشورهایی می شود که تحریمهای اقتصادی در مورد آنها صورت گرفته است، زیرا قبل از اینکه بخواهیم سیاست تحریم را تغییر دهیم، آن تحریم در کشور هدف اجرا شده است. به این دلیل، برای برآورد این تغییرات از مدل Fixed-effect استفاده می کنیم. برخلاف بررسیهای قبلی دربارهٔ اجرای تحریم، متغیر وابسته در این برآورد (تغییر سیاست تحریم) به صورت ترتیبی است. بنابراین، طرح بک، کاتز و تراکر در سال ۱۹۹۸ مبنی بر کاربرد یک

متغیر موقتی (ساختگی) در مدل قابل اجرا نیست، زیرا زمان هنوز مانند مقوله ای است که باید با اطلاعات همراه شود. از تغییرات درصدی در اندازه گیری تحریمهای اقتصادی از ماه پیشین استفاده می‌کنم. این متغیر در صدی، روش قبلی را تخمین می‌زند و در نتیجه، مرحله زمانی را به صورت یک مدل معین در می‌آورد.

نتایج حاصله از جدول ۲، به صورت اعداد ترتیبی و مدل لوجیت (Logit) و با کمک مدل Fixed-effect به دست آمده است. مدل، به خوبی طرح ریزی شده $\text{pseudo-R}^2 = 0,45$ ، اگرچه به خوبی مدل اول نیست. عوامل متغیرهای بین‌المللی، علایم یکسانی دارد و همچنین خواص وابسته به این متغیرها تقریباً باهم یکسان است. سطح بالای تنش، میان ایالات متحده و کشور هدف، موجب می‌شود که فشارهای اقتصادی ادامه یابد و یا بر میزان آن افزوده گردد. وقتی هنوز مشاجره، باقی است و میزان تنش هم در سطح بالایی قرار دارد، دیگر دلیلی برای رییس‌جمهور نمی‌ماند که از میزان فشار اقتصادی بکاهد. اساساً او سعی می‌کند که این فشارهای اقتصادی را زیاد کند تا در جهت اتخاذ اقدامات لازم برای پیروزی، فرصتی فراهم شود. تهاجم و تخاصم کشور هدف، امکان کاهش و یا لغو تحریمهای اقتصادی را به دنبال دارد، اما بعد از اینکه تحریمهای اقتصادی در کشور اعمال شد، دو عامل ۱. گسترش تنش ۲. اتخاذ اقدامات برانگیزنده توسط کشور هدف نمی‌تواند مانعی بر سر راه اجرای تحریمهای اقتصادی باشد. این عوامل، نشان می‌دهد که کشور هدف نمی‌خواهد در برابر فشارهای ایالات متحده سرخم کند. همچنین ترجیح می‌دهد که این تحریمها را تحمل کند تا اینکه بخواهد خواستههای ایالات متحده را تصدیق کند. این اقدامات کشور هدف، موجب می‌شود که رییس‌جمهور سیاست تحریم را دوباره مورد بررسی قرار دهد و تغییراتی در آن ایجاد کند، نه اینکه مانع اجرای آن گردد.

در اینجا باید متذکر شویم که قدرت، تنها عامل برای ایستادگی در برابر فشارهای اقتصادی نیست، زیرا کشورهای هدف ضعیفتر هم سعی می‌کنند که در برابر این تحریمها پایداری کنند و همانند کشورهای هدف قدرتمند از اقدامات تهاجمی یاری جویند. برای مثال، کوبا مانند چین و اتحاد جماهیر شوروی سابق که دو کشور قوی هستند در

یک دوره ده ساله در برابر تحریمهای ایالات متحده استقامت کرد، در حالی که تفاوت قدرت میان این دو گروه بديهی است. چین و اتحاد جماهیر شوروی، یک تهدید نظامی واقعی محسوب می شدند در حالی که کوبا چنین قدرتی ندارد (من این طور در نظر گرفتم که بحران موشکی کوبا دست کمی از تهدیدات شوروی نداشت) به این دلیل که تقریباً با توجه به اطلاعات مربوطه تمام این مقاومتها و اعتراضات تحریمی آن قدر حاد و شدید نیست که به استفاده از قدرت نظامی منجر گردد. این مقاومت نسبی در برابر مشاجره تحریمی، چندان مهم نیست، اما همین قدرت در حیطه مشاجره نظامی، حایز اهمیت می شود.^{۲۴} همان طور که قبلاً گفتیم، بیشتر رؤسای جمهور که امتحان جنگ با کشور هدف و زمانهای آتی را زیاد می دانند، بیشتر امکان دارد که این تحریمهای اقتصادی را در کشور هدف، حمایت و تثبیت کنند و یا افزایش دهند. همان طور که در نزر در سالهای ۹۸-۱۹۹۷ اثبات کرد، احتمال وقوع جنگ در آینده، تهدیدی جدی محسوب می شود و نگرانیهای فرستنده را در زمینه پیروزیهای نسبی افزایش می دهد.

بر خلاف شرایط بین المللی، تغییرات شگرفی در شرایط سیاست داخلی تکوین می شود که به تغییر تحریمهای اقتصادی و پس از اجرای این تحریمها در کشور هدف به تغییر آن می انجامد. هیچ یک از عوامل داخلی، مهم نیست. به این دلیل که وقتی رئیس جمهور برای اولین بار از تحریمهای اقتصادی در مورد کشوری استفاده می کند فقط توده مردم را در نظر می گیرد که در این زمان ترس در برابر عکس العملهای سیاسی در جهت اعمال مهم سیاسی خیلی کم است. بنابراین، بر عهده گروههای فشار است که رئیس جمهور را به لغو تحریمهای اقتصادی ترغیب کنند. البته عملکرد گروه فشار نباید به گونه ای باشد که موجب مقاومت رئیس جمهور در برابر این فشارها گردد. همچنین، هنگامی که یک شرکت داخلی، زیان ناشی از تحریمهای اقتصادی را تحمل می کند، تحریم به هزینه فرصت از دست رفته برای آن شرکت تبدیل می گردد. گرچه هزینه از دست رفته برای این شرکت، بالا به نظر می رسد، اما این زیان در برابر کل خسارتی که از طریق تحریمهای اقتصادی به پیکره اقتصاد وارد می آید، محسوس نیست.

بنابر این، در حالی که موضوع مقاله، بیشتر اثرات و یا اهداف تحریم را در بر می‌گیرد، تجزیه و تحلیل مباحث ذکر شده در بالا بعضی موارد و ویژگی‌های لازم را در جهت درک بهتر شرایط اعمال و یا تغییر سیاست تحریم‌های اقتصادی روشن می‌کند.

نتایج حاصله، نشان می‌دهد که رابطه میان ایالات متحده و کشور هدف، از مهمترین عواملی است که در اجرای تحریم اقتصادی تأثیر بسزایی دارد. مشاجره بسیار حاد میان دو کشور، احتمال اجرای تحریم‌های اقتصادی توسط رییس جمهور ایالات متحده را افزایش می‌دهد که این نتیجه با این فرضیه که یک دولت با اتخاذ اقدامات سخت و شدید، مانند تحریم در برابر شدت مشاجره عکس العمل نشان می‌دهد مطابقت دارد. همچنین، گاهی اوقات، اتخاذ اقدامات خصمانه به شکل تحریک آمیز و یا بحران شدید، ایالات متحده را از اجرای بعضی اقدامات برحذر می‌دارد و در کل از نتایج حاصله این طور می‌توان فهمید که وقتی ایالات متحده بفهمد اجرای تحریم‌های اقتصادی موجب تقویت و یا حمایت بسیار در کشور هدف می‌گردد از اجرای این تحریمها خودداری می‌کند. علاوه بر مختصات مشاجره، پیش‌بینی جنگ در زمانهای آتی نیز تأثیر بسزایی در اجرای تحریم‌های اقتصادی می‌گذارد.

با رجوع به تحقیقات قبل، این طور برآورد می‌شود که بیشتر مشاجره ایالات متحده با کشورها در زمانهای آتی به جنگ سرد مبدل می‌گردد و اجرای تحریم‌های اقتصادی و سپس تغییر سیاست آن در جهت حمایت و یا افزایش این سیاست بسیار محتمل است. (Drezner 1998)

هر یک از این شرایط بین‌المللی در زمان اجرای تحریم‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، اما این شرایط، تنها عامل مؤثر در زمینه اجرای تحریمها نیست. سیاستهای داخلی در اجرای تحریم‌های اقتصادی، نقش بسزایی دارد. این سیاستها، از قبیل نگرانی در جهت کسب تأییدیه عمومی و انتخابات می‌تواند موجب افزایش و یا کاهش تمایلات ایالات متحده در جهت اجرای تحریم‌های اقتصادی گردد. البته تأثیر این عوامل تا حدی حاشیه‌ای است، زیرا هر گاه مشاجره شدیدی ایجاد شود، ایالات متحده با به کارگیری تحریم در برابر این مشاجره، عکس العمل

نشان می دهد. به هر حال اگر تنش آنچنان شدید نباشد و در بعضی موارد، هنگام نزدیکی انتخابات، رییس جمهور ضعیف از تن دادن به شرایط ایجاد تحریم طفره می رود، احتمالاً به این خاطر که با اجرای تحریم، تمایل سران صنایع داخلی به سرمایه گذاری از دست می رود و در نتیجه آنها (صنایع) به صورت جبهه مخالف رییس جمهور عمل می کنند. بدین ترتیب، تحریم می تواند نتیجه معکوس بدهد و با نزدیک شدن انتخابات، پرهزینه باشد.

زمانی که تحریمهای اقتصادی در کشوری اجرا می گردد، دیگر عوامل داخلی نمی تواند مانعی بر سر راه آن محسوب شود. تنها شرایطی که روی تصمیم اولیه اجرای تحریم نقش بسزایی دارد، شرایط بین المللی این مشاجره است که این شرایط در جهت لغو و یا کاهش، حمایت و یا افزایش فشارهای اقتصادی مؤثر است. وقتی مشاجره همچنان به روال خود باقی و احتمال جنگ در آینده با کشور هدف بسیار بالا باشد، احتمال تشدید فشارهای اقتصادی توسط رییس جمهور افزایش می یابد. مگر اینکه کشور هدف قادر باشد قبل از افزایش تنش با اتخاذ اقدامات خصمانه و تحریک آمیز و گسترش تنش، جلوی اقدامات ایالات متحده را بگیرد که البته باز هم نمی تواند در زمانی که تنش بسیار حاد است، اجرای تحریم را غیر ممکن گرداند. شرایط سیاسی داخلی در تصویب سیاست تحریم در یک کشور و پس از اجرای آن در نظر گرفته نمی شود، زیرا پس از اجرای تحریم، گروههای داخلی که تمایل به اتمام تحریمهای اقتصادی دارند مجبورند که سعی کنند این سیاست رایج را نقض کنند، نه اینکه مانع تصویب این سیاست شوند. مشکل تجزیه و تحلیلهای موجود، محدودیت زمانی است. بویژه کاربرد مدل پیشنهادی را در قاعده زمان حال نیز تحمیل می کند. این مشکل از ۳۱ ماه دسامبر سال ۱۹۷۸، بیشتر نمایان گشت. در نتیجه، بیشتر یافته های مدل هنوز هم به کار می رود. در حالی که تحریمهای اقتصادی بیشتر اوقات مورد استفاده قرار می گیرد (حتی پس از فروپاشی بلوک شرق به عنوان یک کشور هدف) باز هم این تحریمها تابع مشاجره بین ایالات متحده و کشور هدف هستند. نتایج حاصله از تحقیقات گالتونگ (۱۹۶۷)، در الاند (۱۹۹۵)، مشروط به فعالیتهای اتحاد جماهیر شوروی مبنی بر خنثی کردن فعالیتهای ایالات متحده در زمینه تحریم نیست، در عوض تابع تحرکهای داخلی در کشور هدف است، به طوری که از سال

۱۹۷۸ تا به حال، هنوز هم تغییر نکرده است. کشور عراق در زمان فعلی می تواند مثال واضحی در جهت اثبات این مسئله باشد که اتحاد عناصر سیاسی داخلی هنوز هم می تواند در مورد کشور هدف، اتفاق بیفتد. (الاند، ۱۹۹۵) همچنین با توجه به یافته های این مدل مبنی بر اینکه تهاجم و خصومت کشور هدف می تواند مانعی بر سر اقدامات ایالات متحده باشد، می توان گفت که این اثر هنوز هم در زمان فعلی صادق است.

در دهه ۱۹۹۰، تأثیر عوامل سیاسی داخلی الزاماً کاهش نیافت، به طوری که مقوله های بازرگانی و تجاری پس از پایان جنگ سرد اهمیت بسیاری یافت. توجه اذهان عمومی از تهدیدهای کمونیسم به سمت تهدیدهای اقتصادی کشیده شد. این تهدیدها بحران آسیایی اخیر، اتحادیه اروپایی، تجارت آزاد و فروپاشی اقتصادی روسیه را در بر می گیرد. در حالی که تحریمهای اقتصادی، ابزار سیاست خارجی است، اما مؤکداً اقتصاد ایالات متحده را تحت تأثیر قرار می دهد. (اداره بودجه پارلمانی ۱۹۹۹).

به دلیل توجه بسیار به اقتصاد و تحریمهای اقتصادی، احتمال آشفته گی عوامل سیاسی داخلی افزایش می یابد. محدودیت بازاریهای فروش کشورهای کمونیستی در دوران جنگ سرد، قضاوت در مورد این مسئله را نسبت به برزسی محدودیت بازاریهای فروش چین به خاطر تجاوز به حقوق بشر آسانتر می سازد [امنیت ملی برتر از حقوق بشر است]^{۲۵} به این ترتیب که صادر کنندگان در جهت اثبات برتری منافع شخصی شان بر امنیت ملی، بیشتر تحت فشار هستند تا اینکه بخواهند ثابت کنند منافعشان از رعایت حقوق بشر بیشتر است. توجه روزافزون به اقتصاد، گرایش به فرضیه های عملی در زمینه سیاست تحریم را در کنگره به وجود آورد. نگرانی در مورد زیانهای وارده به پیکره اقتصاد از جانب عوامل سیاسی داخلی - چه صنایع عمومی و چه خاص و بویژه گرایش این عوامل و تمایل سران صنایع در جهت کسب سود - بیش از پیش، توجه کنگره را به تحریمهای اقتصادی معطوف می کند.

نتایج حاصله از عملکرد کنگره باید سریعاً به اجرا درآید و رییس جمهور مجبور است که در آینده ارتباطش را در جهت رسیدن به اهدافش، با کنگره نزدیکتر کند. در حالی که اقبال عمومی و محبوبیت بالا این امکان را به رییس جمهور می دهد که در اتخاذ اقداماتش، قدرت

بیشتری داشته باشد، حتی زمانی که با مخالفت کنگره مواجه می‌گردد. توجه به انتخابات در اتخاذ اقدامات رییس جمهور، تأثیر بسیاری نسبت به توجه او به بهبود رابطه اش با کنگره دارد. شرایطی که به تغییر تحریم می‌انجامد (همان طور که در مدل قبل بررسی شد) الزاماً در زمان حال نیز کاربرد دارد. در حالی که بیشتر تحریم‌های پی‌درپی در دهه ۱۹۹۰ خبر ساز بود، می‌توان گفت که این تحریمها بیشتر یک استثنا به حساب می‌آمد تا یک قاعده (قانون). بویژه کوبا به تناوب اذهان عمومی را به خود جلب کرد، اما نسبت به تحریم‌های اقتصادی علیه سودان، لیبی و یا آنگولا توجه کمتری نشان داده شد. این امکان هست که بالغو تحریم‌های بلند مدت و طولانی، دولت سعی کند که با حوادث مهیج، هیاهویی برانگیزد و توجه مردم را به سوی این حوادث جلب کند. با پایان جنگ سرد و شروع تحریم‌های اقتصادی بسیار در دهه ۱۹۸۰، متوجه شویم که عوامل سیاسی داخلی بویژه انتخابات - در جهت لغو تحریم‌های اقتصادی نقش مهمی دارد.

این امکان هست که رؤسای جمهور با اختتام فعالیت‌های تحریمی، اطمینان دهند که با دشمنان قدیمی، روابط خوشبینانه جدید ایجاد خواهند کرد. بویژه، زمانی که روابط با کشورهایی مانند ایران و کوبا به حالت عادی درآید (با این فرض که روزی این کار انجام شود) این امکان ایجاد می‌شود که اعلام این خبر مهم، توجه و سیعی را به خود جلب کند.

فشار اخیر، حول محور روابط ایالات متحده با ویتنام این عقیده را تقویت می‌کند که در حالی که بیشتر خبرها روی ملاقات سناتور جان مک لین و بیست و پنجمین سالگرد پایان جنگ ویتنام متمرکز می‌شود، گزارشها نشان می‌دهد که این عوامل چگونه بر تجارت این دو کشور تأثیر می‌گذارد و به مذاکرات این دو دشمن قدیمی کمک می‌کند. در حالی که تجزیه و تحلیل بالاتنها شرایطی را که به استفاده و یا تغییر تحریم اقتصادی منجر می‌گردد مورد بررسی قرار می‌دهد، باز هم مقالات از اهمیت مشاخره و همچنین نقش سیاست‌های داخلی خبر می‌دهد. تجزیه و تحلیل‌های بعدی، در آینده می‌تواند با فهم این مسئله که چه زمانی اهداف تحریم‌های اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرد، هماهنگ باشد و این سؤالات را در برگیرد که چرا تحریم‌های اقتصادی نسبت به دیگر ابزارهای سیاست خارجی برتری دارد؟

و چرا تحریمهای اقتصادی، گاهی اوقات مؤثر واقع نمی شود؟ همچنین، نمونه های تحریم ایالات متحده در زمان گذشته نشان می دهد که ایالات متحده، تنها زیر مجموعه بزرگ این مجموعه وسیع (یعنی تحریمهای اقتصادی) محسوب می شود. تحلیل نهایی نشان می دهد که رابطه نزدیکی میان تئوریهای بیان شده در زمینه کاربرد نیروی نظامی و همچنین اجرای تحریمهای اقتصادی وجود دارد. این طور به نظر می رسد که رییس جمهور در جهت استفاده از ابزار مختلف و قابل دسترس سیاستهای تحمیلی، تصمیمات نسبتاً مشابهی می گیرد.

تحقیقات بعدی در آینده باید نه تنها آخرین اطلاعات و تحولات را گزارش دهد، بلکه همچنین باید شامل انواع مختلف سیاستهای تحمیلی باشد و آنها را به نظم خاصی درآورد، البته در این جهت که چگونگی ارتباط این عوامل بهتر درک شود و همچنین شرایطی را که به اعمال این گونه اقدامات منجر می گردد روشن کند. □

(جدول: ۱)

Condition

شرایط اجرای تحریم اقتصادی

عوامل متغیر	کارآبی	Robust SE	آزمایش درباره =a ارزش P (Value) عامل ساختگی
اهمیت magnituole	۰,۴۸۹	۰,۰۵۶	۰,۰۰۰
افزایش Escalate	-۱,۲۰۰	۰,۳۰۲	۰,۰۰۰
اقدامات برانگیزاننده Provoke	-۰,۱۹۳	۰,۰۶۳	۰,۰۰۲
Conflict expectations	۰,۳۵۸	۰,۱۳۹	۰,۰۱۰
احتمال ایجاد جنگ در آینده	۰,۰۳۵	۰,۰۱۱	۰,۰۰۱
تأییدیه Approval	۰,۱۶۱	۰,۰۵۸	۰,۰۰۶
Electoral approval	-۰,۰۰۲	۰,۰۰۱	۰,۰۶۲
گذشت زمانی (Timepast)	-۰,۶۴۳	۰,۱۱۶	۰,۰۰۰
Spline1	-۰,۰۰۰۲	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
Spline 2	-۰,۰۰۰۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
Spline 3	-۰,۰۰۰۱	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
Constanst	-۳,۵۴۰	۰,۶۹۰	۰,۰۰۰

توجه: Pseudo= R^2 =85

۹۷,۸ = درصد مثبت

سه عامل جزء واحد شمارش نمایانگر
عوامل متغیر زمانی (سه قسمتی) می باشد

(جدول: ۲)

شرایط اجرای تغییرات لازم در تحریمهای اقتصادی

عوامل متغیر	میزان کارآبی	SE	P-(Value) ^a
روش	۰,۱۱۵	۰,۰۱۰	٪۰۰۰
نقطه اهمیت	۰,۳۹۸	۰,۱۲۷	٪۰۰۲
برانگیختگی	-۱,۴۱۲	۰,۷۲۵	٪۰۵۲
احتمال وقوع جنگ در آینده	-۰,۵۱۲	۰,۱۴۳	٪۰۰۰
تأییدیه	۲,۰۴۵	۰,۶۲۶	٪۰۰۱
نزدیکی انتخابات	۰,۰۲۱	۰,۰۲۶	٪۴۳۱
تأییدیه انتخاباتی	۰,۱۵۶	۰,۱۰۸	٪۱۵۰
	-۰,۰۰۳	۰,۰۰۲	٪۱۸۷

توجه: Pseudo= R^2 =0.45

نتایج پس از آزمون = a

(جدول: ۳)

اسامی کشورهای هدف و شمار ماههایی که مشمول اجرای تحریمهای اقتصادی شدند

کشور هدف	تراکم تحریمهای اقتصادی					
	۱	۲	۳	۴	۵	۶
آرژانتین	۷	۱۳				
برزیل	۵۶	۱۰				
سیلان	۳۶					
شیلی	۹	۹	۲۱			
چین	۹	۷	۷	۲۲۳		
کوبا	۵	۳	۱۶	۱	۴۸	۱۵۴
جمهوری دومنیکن	۵	۲	۴	۱۲		
مصر	۱۱۳	۵				
اتیوپی	۱۰	۱۴				
هند	۸۶	۲۰				
اندونزی	۷	۳۹				
ایران	۵					
کامبوج	۸۹	۴۴				
لائوس	۴۴	۱۷				
نیکاراگوئه	۲	۶	۱۳			
کره شمالی	۶	۸	۳۲۹			
ویتنام شمالی	۱۱۹	۱۳۲	۴۴			
پاکستان	۵۶	۳				
پرو	۹	۵	۸۰	۴۳		
افریقای جنوبی	۱۱	۱۲۶	۳۷	۱۱		
اوگاندا	۲	۵	۶	۳		
اتحاد جماهیر شوروی	۴۴	۱۶۷	۳۰	۸	۲۱	

۱. Page اخیراً (۱۹۹۷، ۱۹۹۸a، ۱۹۹۸b) در این باره بحث کرد که تحریمهای اقتصادی مؤثر نیست. در حالی که مباحثات در زمینه میزان موفقیت تحریمها پیش می رود. درک کلی این افراد این است که تحریمهای اقتصادی مؤثر نیست.

۲. من دریافتیم که تعاریف و معانی بسیاری در زمینه کشمکش و ستیز وجود دارد. بنابراین، سعی کردم تا هر یک از تعاریف را به خوبی و تحت این دیدگاه (تحریم) در مقاله خود بگنجانم. همچنین سعی کردم تا درباره جنگهایی که تنش و شدت آنها بسیار بوده با استدلال بحث کنم.

۳. جیمز وهریستول (۱۹۹۴) در مطالعاتشان در زمینه استفاده از قدرت نظامی و گسترش استراتژیهای بحرانی به نتایج یکسانی دست یافتند.

۴. روش کدبندی عوامل متغیر وابسته در این جدول اطلاعاتی، مناسب و کافی نیست، زیرا این جدول، تنها زمانی را که تحریمهای اقتصادی اجرا می شد مورد بررسی قرار می دهد، نه انگیزه و آغاز این تحریمها را. من این روش را به این دلیل انتخاب کردم که نحوه عملکرد رییس جمهوری در زمینه تحریمهای اقتصادی را مورد بحث قرار می دهد. بنابراین، با اینکه این روش برای آزمایش انگیزه و آغاز این تحریمها مناسب نیست، اما می تواند ما را در جهت دستیابی به شرایط اجرای تحریمهای اقتصادی توسط ایالات متحده یاری کند و اطلاعات لازم و مفیدی در این زمینه در اختیار ما بگذارد. بنابراین، در اینجا این روش را در پیش می گیریم تا بتوانیم گستردگی عوامل متغیر و وابسته و همچنین اطلاعات مورد نیاز در زمینه نحوه اجرا و اعمال تحریمهای اقتصادی را به نحو احسن اعمال نماییم. اگر می خواستیم تنها شروع و انگیزه این اعمال را مد نظر قرار دهیم، این عوامل متغیر وابسته از اصل موضوع منحرف می شدند و همچنین اندازه گیری و تخمین آنها مفرضانه و متعصبانه می شد. اما با استفاده از ماههایی که رییس جمهور در مقابل کشور هدف از تحریمهای اقتصادی استفاده کرده است، این برآورد نه از موضوع اصلی منحرف می شود و نه به شکل مفرضانه درمی آید. تحقیق بعدی من بویژه پیرامون انگیزه و زمان شروع تحریم خواهد بود. در اینجا تجزیه و تحلیل موجود، بر پایه کاربرد (اصلاح و تغییر) تحریم، صورت پذیرفته است.

۵. گروه کنترل، کشورهای استرالیا - کانادا - فرانسه به تحریم تهدید شدند، اما در طول دوران بحران سوئز، این تحریم اجرا نشد. گامبیا - هائیتی - ایسلند - ایرلند - ژاپن - کویت - موریس - مکزیک - موزامبیک - نپال - نیوزیلند - پرتغال - سوئدان - تایلند - ترکیه - اروگوئه و ونزوئلا، هستند.

۶. بونودمسکوتا و لامن (۸۳ - ۲۸۲ - ۱۹۹۲) و بویژه کینگ و زنگ (۱۹۹۹) نشان دادند که یک نمونه از کشورهای خنثی (در این مورد، یعنی کشورهایی که تحریم نشده اند) می توانند جایگزین جمعیت شوند.

۷. هر جدول اطلاعاتی باید دارای این اجزا باشد: کشور (هدف) - ماه: یعنی هر کشور در یک ماه ویژه مورد تحریم واقع شده است.

۸. بانک اطلاعاتی جنگ و صلح (COPDAB)، میزان همکاری و ستیز، همچنین انگیزه و آغاز تحریمها را اندازه گیری می کند، اما تحریمهای اقتصادی توسط ایالات متحده، عوامل متغیر وابسته و مستقل مشتق شده از (COPDAB) را توأم با هم مورد اندازه گیری قرار نمی دهد، زیرا من تمامی موارد استفاده از تحریمهای اقتصادی را از میزانهای تنش (COPDAB) حذف کردم.

۹. آنست $1 - AT_{it} / (AT_{it} - AT_{it})$ ، در اینجا AT معادل میانگین سطح تنش COPDAB برای کشور هدف و در ماه ویژه (it) است. ESCALATE (نقطه اوج و اهمیت) هم بر پایه میانگین ماهانه میان ایالات متحده و کشور (هدف) برآورد می شود، نه بر پایه یک شماره مینیمم از حوادث اتفاق افتاده.

۱۰. میانگین محرک در طول دوران انتخابات ریاست جمهوری بسیار مورد نیاز است. (یعنی عامل محرک در جهت به تکاپو انداختن رئیس جمهور در هنگام نزدیکی انتخابات).

11. Dwight Eisenhower and Lyndon Johnson's Lame duck Years are included becluded because these these presidents would have been concerned about the strength of their respective paries and presidential candidates Recharad Nixon and Hubert Humphrey.

12. See American Politics Quarterly's special (1996, Vol.24, No.4) Covering the link between Presidential approval and electoral success.

۱۳. این در باره کشورهای کنترل صدق نمی کند، زیرا آنها هرگز تحریم نشده اند. البته این مورد که آنها در گذشته مورد تحریم واقع نشده اند نمی تواند دلیلی بر این امر باشد که آنها در آینده نیز تحریم نخواهند شد. همچنین برعکس، نمی توان پیش بینی کرد که کشورهایی که تحریم شده اند، آیا در آینده تحریم می شوند یا خیر؟ به دو دلیل: ۱. روش استفاده شده در جهت کنترل برای وابستگی موقتی (زمانی) بایستی در طول مدل یکسان باشد ۲. بیست و دو کشور کنترل، موجب می شوند تا فرضیه ما غلط از آب درآید (از لحاظ مقطعی و زمانی) در نتیجه من از مدل Beck, Katz, Tucker استفاده می کنم، زیرا این روش، عامل وابسته موقتی را در هر دو دسته، یعنی ۲۲ کشور تحریم شده و همچنین ۲۲ کشور کنترل (تحریم نشده) به صحت و درستی کنترل می کند.

14. I thank Neal beck for his help with the variance of the different countries in the data.

۱۵. مدل Fixed-effect، واریانس کشورهای مختلف را با گذاشتن یک عامل ساختگی در معادله و بر هر کشور حساب می کند.

۱۶. مدل Pardial Fixed-effect، برای کنترل واریانس کشورهای تحریم شده استفاده می شود. این مدل به جای مدل Fixed-effect به کار می رود و می توان با آن هیتروداستینی، برخورد های بین کشورها را آزمایش کرد.

۱۷. جدول شماره ۶ (Stata Corp ۱۹۹۷) برای تمامی تجزیه و تحلیلها به کار می رود. اطلاعات برای تقاضا کنندگان کاملاً قابل دسترسی است. تنها دو مورد را در این جدول باید مورد توجه قرار داد: اول، اینکه اطلاعات، مضاعف است (جفت جفت) یعنی نشان دهنده ماههایی است که تحریمهای اقتصادی مورد اجرا واقع شده اند. وقتی که اطلاعات بر پایه شماره حوادث (تعداد تحریمهایی که صورت گرفته) و همچنین همبستگی پواسن تنظیم و مرتب می شود، نتایج حاصله اساساً شبیه هم است. همچنین، تجزیه و تحلیل موجود در جهت دستکاری نمونه داده های موجود بسیار قوی می باشد. (یعنی تجزیه و تحلیل موجود آن قدر قوی است که می توان با دستکاری در نمونه های موجود آن را بررسی کرد)

دوم، اینکه، نمونه موجود، نمایانگر تعداد کشورهایایی که توسط ایالات متحده مورد تحریم قرار گرفته اند نیست. در حقیقت، ایالات متحده کمتر از ۵۰ درصد از کشورهای جهان را تحریم کرده است. در جهت انطباق تعداد کشورهای خنثی با تعداد کشورهای تحریم شده، از روش کینگ و زنگ (۱۹۹۹)، در جهت همبستگی لجستیک

حوادث کمیاب استفاده شده است. در جدول شماره ۱ از همبستگی لجستیک استاندارد به دلیل راه‌حلهایی که این جدول در دسترس قرار می‌داد استفاده شده است که در اینجا تفاوت اساسی میان دو همبستگی وجود نداشت.

۱۸. شماره میزان COPDAB نه بود. همه متغیرهای دیگر ثابت نگه داشته شده بود.

۱۹. این امکانات با CLARIFY ایجاد شد (کینگ - توماز و دیتن برگ در سال ۱۹۹۸، توفروویتن برگ و کنگ در سال ۱۹۹۸). اصطلاح CLARIFY این اجازه را به محقق می‌دهد تا برای هر یک از متغیرها ارزشی قایل شود و امکانات لازم در جهت رسیدن به نتیجه مطلوب را تعیین کند. می‌توان این متغیرهای با ارزش را در جهت تعیین زمان اجرای تحریمهای اقتصادی تحت شرایط مختلف توسط رییس جمهور دستکاری کرد.

۲۰. در شرایطی که کشور هدف، اعمال برانگیزنده اتخاذ می‌کند و به تنش و مشاجره دامن می‌زند، اطلاعات موجود در این زمینه نشان می‌دهد که رییس جمهور ایالات متحده به اقدامات ستیزه جویانه - از قبیل عملیات مخفیانه و یا قدرت نظامی - متوسل نمی‌شود.

۲۱. توجه کنید که اصطلاح (تأییدیه انتخاباتی) که تأثیر متقابلی روی هم دارند، دارای اهمیت حاشیه‌ای است ($P < .06$) و در زمانی که کینگ و زینگ در سال ۱۹۹۹ این اصطلاح را تصحیح کردند P-Value به شماره ۱۱ تنزل کرد و تمام نتایج دیگر ثابت ماند.

۲۲. مثالهای موجود از مدل مشتق شده و فرضی است. من ارزشها و تصویبهای بالا و بی‌نهایت را بر پایه رؤسای جمهور واقعی (آیزنهاور و نیکسون) انتخاب کردم بنابراین، این مثالها به واقعیت نزدیکتر خواهد بود تا اینکه بخواهیم تأییدهای خیلی بالا (مثلاً ۱۰۰ درصد) و یا خیلی پایین را در سال ذکر کنیم. (یعنی به جای استفاده از شمارهای خیالی از مثالهای واقعی استفاده شده است)

۲۳. CLARIFY (کینگ، توفروویتن برگ ۱۹۹۸ و توفرو، ویتن برگ و کینگ سال ۱۹۹۸) در جهت تعیین ارزشهای مختلف استعمال گشت.

24. I am thankful to an anonymous reviewer for raising this possibility.

۲۵. واضح است که اجرای تحریمهای اقتصادی، در نتیجه جاسوسی لوس آنجلس آسانتر مورد قضاوت و داوری قرار می‌گیرد، زیرا آنها به بحث درباره امنیت ملی استناد می‌کنند.

- Azar, E. 1980. The Conflict and Peace Data Bank (COPDAB) project. *Journal of Conflict Resolution* 24: 143-52.
- Baldwin, D. 1985. *Economic Statecraft*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Barber, J. 1979. Economic sanctions as a policy instrument. *International Affairs* 55: 367-84.
- Beck, N., J. Katz, and R. Tucker. 1998. Taking time seriously: Time-series-cross-section analysis with a binary dependent variable. *American Journal of Political Science* 42: 1260-88.
- Brody, R. 1991. *Assessing the president*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Bueno de Mesquita, B., and D. Lalman. 1992. *War and reason: Domestic and international imperatives*. New Haven, CT: Yale University Press.
- Congressional Budget Office. 1999. *The domestic costs of sanctions on foreign commerce*. Washington, DC: Government printing office.
- Dashti-Gibson, J., p. Davis, and B. Radcliff. 1997. On the determinants of the success of economic sanctions: An empirical analysis. *American Journal of Political Science* 41: 608-18.
- Doxey, M. 1971. *Economic Sanctions and International Enforcement*. London: Oxford University Press.
- . 1987. *International sanctions in contemporary perspective*. London: Macmillan.
- Drezner, D. 1997. Allies, Adversaries, and Economic Coercion: Russian foreign economic policy since 1991. *Security Studies* 6. 65-111.
- . 1998. Conflict expectations and the paradox of economic coercion. *International Studies Quarterly* 42: 709-31.
- . 2000. The complex causation of sanction outcomes. In *Sanctions as Economic Statecraft: Theory and practice*, edited by S. Chan and A. Drury, 212-33. London: Macmillan.
- Drury, A. 1996. Domestic vs. international imperative: *The political Science Association*, September, San Francisco.
- . 1988. Revisiting *Economic Sanctions reconsidered*. *Journal of Peace Research* 35: 497-510.
- Eland, I. 1995. Economic sanctions as tools of policy. In *Economic sanctions: Panacea of Peacebuilding in a Post-cold War?* edited by D. Cortright and G. Lopez. Boulder, CO: Westview.

- Fisk, D. 2000. Economic Sanctions: The Cuba embargo revisited. In *Sanctions as economic statecraft: Theory and practice*, edited S. Chan and A. Drury, 65-85. London: Macmillan.
- Galtung, J. 1967. On the effects of international economic sanctions, with examples from the case of Rhodesia. *World Politics* 19: 378- 416.
- George, A. 1991. *Forceful persuasion: Coercive diplomacy as an alternative to war*. Washington, DC: United States Institute for Peace.
- Goldstein, J., and J. Freeman. 1991. U.S.-Soviet-Chinese relations: Routine, reciprocity, or rational expectations? *American Political Science Review* 85:17-35.
- Gowa, J. 1998. Politics at the water's edge: Parties, Voters, and the Use of Force abroad. *International Organization* 52:307-24.
- Hufbauer, G., J. Schott, and K. Elliott. 1990a. *Economic Sanctions reconsidered: History and current policy*. Washington, DC: Institute for International Economics.
- Hufbauer, G., J. Schott, and K. Elliott. 1990b. *Economic Sanctions reconsidered: Supplemental case histories*, Washington DC: Institute for International Economics
- James, P., and A. Hristoulas. 1994. Domestic Politics and Foreign Policy: Evaluating a model of crisis activity. *Journal of politics* 56: 327-48.
- James, P., and J. Oneal. 1991. The influence of domestic and international politics on the president's use of force. *Journal of Conflict Resolution* 35: 307-32.
- Kaempfer, W., and A. Lowenberg. 1992. *International economic sanctions: A public choice perspective*. Boulder, CO: Westview.
- King, G., Tomz, and J. Wittenberg. 1998. Making the most of statistical analyses: Improving interpretation and presentation. Paper prepared for Presentation at the annual meetings of the *American Political Science Association*, Boston.
- King, G., and L. Zeng. 1999. Logistic regression in rare events data. Department of Government, Harvard University. Available from <http://gking.harvard.edu>
- Leng, R. 1993. *Interstate crisis behavior, 1816-1980: Realism versus reciprocity*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Levy, J. 1989. The diversionary theory of war: A critique. In *Handbook of war studies*, edited by M. Midlarsky, 259-88. Boston: Unwin Hyman.
- Lian, B., and Oneal. 1993. Presidents, the use of military force, and public opinion. *Journal of Conflict Resoulution* 37:277-300.
- Lindsey, J. 1986. Trade sanctions as policy instruments: A re-examination. *International Studies Quartely* 30:153-73.
- Morgan, C. 1990. Power, resolve and bargaining in international crises: A spatial theory. *International Interactions* 15: 279-302.

- Morgan, C. and K. Bickers. 1992. Domestic discontent and the external use of force. *Journal of Conflict Resolution* 36: 25-52.
- Morgan, C., and V. Schwebach. 1996. Economic sanctions as an instrument of foreign policy: The role domestic politics. *International Interactions* 21: 247-63.
- . 1997. Fools suffer gladly: The use of economic sanctions in international crises. *International Studies Quarterly* 41: 27-50.
- Mueller, J. 1973. *War, Presidents, and public opinion*, New York: John Wiley.
- Nossal, K. 1989. International sanctions as international punishment. *International Organization* 43: 301-22.
- Olson, R. 1979. Economic coercion in world politics with a focus on north-south relations. *World Politics* 3: 471-94.
- Ostrom, C., and B. Job. 1986. The president and the political use of force. *American Political Science Review* 80: 541-66.
- Pape, R. 1997. Why economic sanctions do not work. *International Security* 22: 90-136.
- . 1998a. Evaluating economic sanctions. *International Security* 23: 195-98.
- . 1998b. Why economic sanctions still do not work. *International Security* 23: 66-77.
- Renwick, R. 1981. *Economic sanctions*. Rensselaer: Hamilton Printing Company.
- Schwebach, V. 2000. Sanctions as signals; A line in the or lack of resolve. In *Sanctions as economic statecraft: Theory and practice*, edited by S. Chan and A. Drury, 187-211. London: Macmillan.
- Simon, M. 1996. When sanctions can work: Economic sanctions and the theory of moves. *International Interactions* 21: 203-28.
- Smith, A. 1996. The success and use of economic sanctions. *International Interactions* 21: 229-45.
- Snyder, G., and P. Diesing. 1977. *Conflict among nations*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- StataCorp. 1997. *Stata Statistical software: Release 6*. College Station, TX: Stata Corporation.
- Tomz, M., J. Wittenberg, and G. King. 1998. *CLARIFY: Software interpreting and statistical results: Version 1.2*. Cambridge, MA: Harvard University. Available from <http://gking.harvard.edu/>
- Vanderbush, W., and P. J. Haney. 1999. Policy toward Cuba in the administration. *Political Science Quarterly* 114: 387-408.
- Wallensteen, P. 1986. Characteristics of economic sanctions. *Journal of Research* 3: 284-67.